

حقیقت

گمونیستها...

ارمان گوتهای اربحای عمالی
سوسال - امیرالیم سوووی در ۷
اردیبهشت ۲۷ در اصفهان ساکن
شروهایی اربحای واسعه عرب و
سازمیرالیم آمریکا در مطقه
آران گوسده اندکارگران اس
گودنارا، کدارلحاظ ماهیت هیچ
وی ساخودمان ندانند، سعووان
ندابندقان جنس گمونیستی اصف
سیان، و حکومت آنی را سعووان
جگومی مارکسی و گمونیستی،
معرفی کند و سپس سادخله خود
گیرند. هدف اس بیروها اسب گدا
یک سیر دوسا هورند: اربکطرف
دعواهای اربحای میان خوددارو
دسه و طمپروش کابل را، که با ریایی
ارگمکنی های اربحای و امیریا -
لسنی اس قدرت های آمریکا و سوووی
اس به سس سرنو او طرف دیگر گمو -
سیم را در ادها ن سوده های مردم اصف
سیان و کسوهای خودی اعباربا -
رند. در کسو با سره سس صفا جاری
سوده و محافل ملی مشکوک و بارما ده ار
رمان دستگاه ها ه مخلوع نلاس عربی
برای - عرب و اعبیت حبش مسلحانه
مردم اصفاسان، که دارای ماهیسی
ملی و رهائش پس سنا بد، و معرفی آن
سعووان طعنای علیه گمونیسم و اتحاد
سیان میدهند. در این کار اصرارنا -
دی از سوی احزاب سرمایه داران و
مالکان و سپس ارمه حزب طرفداران
سجاسار حاش، حزب ایران، و هم -
چیس از سوی برخی دستجات معتصب
سدهی دنده میشود. لکن ساید ساد -
آوری کرد که در این تحریف و اعبها
در اصفاسان، که امروز در دهه
سیاری ار مردم اربح به گمونیسم و
جنس گمونیستی سنها امکنده اس،
سیان ارمه دستجات گودنا گرا کمد
کابل، که مکتب مارکسیسم - لنینیسم
و آریان گمونیستی را سوده سازی سیر
جرتک خاشانه، اربحای و ساسیمی
جود کرده اس، پس ابها - میکنند در
آران سره سس نس ربا کارا سه را
دسجاسی اربحاش حزب سوده، که در
ظاهرها و امیرالیم و ملی در سباط
خوادار اربحای و ساسیم و سوکر اس -
خود س امیریا لسنی سوووی اس، ابها

میکنند

گمونیستهای ایران و سراسر
چهار سنگ دارند که دارو سسه های
و طمپروش و مرجع معلوم الحالی را،
که در برده دودی ارفاطی هائی
مارکسی و گمونیستی سده و حشاشک -
سرس حاسبا در جوی طبع اعبان س -
هاسه و کسو خود را به سسعه اس س -
بالسرو س سیدل کرده اس، کسو -
سست سنا مند. مکتب گمونیسم مکتب
رهائش طیفه کارگر و هم در حشکان
خامع، مکتب سرنوی امان سنا
اسعبارگران، اسعبارگران و هسسه
سنگران خامع اسب و هسسه سراسر -
سب سمدیده سوده در فبار اربح اس علیه
الطیب سسگر گنده اس. کجا مکتب
گمونیسم سوا سمدافع اسعبارگران
اسعبارگران و سمدگران گوسا گون
و آریان اعتقادی املیب مرجع و جا -
ش سنا بد؟! کجا سوا اس، ابط سوکره
دارو سسه های مرد و رجا کم در کابل
کرده اس، مکتب سنی و طمپروش و جا -
عظ منافع سرمایه داران دلال و مناس
سنگانه، سلاکان و عسبار سسر سده حطمی
و جا سوا سنا بد. سن الملی گری
گمونیستی بمعنای و طمپروسی سست
و با چها ن وطنی اربحای سوووی
دلال و وابسه، که کسوهای امیریا -
لسنی را وطن خود سمرده و کسو خود را
سنا سده حرثی ارایین وطن کداسی سده
اربا ساس میروند، دسنمی آسنی -
ساید سداد، سس الملی ثری گمو -
سیسی سسلرما سار بر رگر سس حان -
عسای ها از سوی گمونیستها علیه
عاریگران بین الملی و اسعبار -
گران در دفاع اربلب و میهن خود سنا
مبیا سده و گمونیستها همیشه در مساره
با اسعبار و حشاشات اعتقادی، سنا -
سی و رهنگی امیریا لسنی سرنوی
و غیر سمد سس میهن سراسر سوده و
هسسه، هم کسون هم گمونیستهای
اصفاسان سیرما سنا سوده و سسادش
مردم سهرمان وطن خود علیه رژیم
اسنادی کابل و اسنا لگران سوووی
می حشگند.

حسابت های هولناکی را مرتکب شده و
سجادار و سدا رمل سنا سنا سنا رایبه
اربا سنا خود سوووی سرحه اسد.
آیان سساری ارگمونیست های
اصفاسان را در کسرا سسرمیس -
سراسن و آزان سخواهان اصفاسی سه
جوخا عدا م سبرده اس. دهها هزار
ار سرنیدان سرت مردم اصفاسان
هم اکسون در سنا هجائلی رزم کابل
مخکوم سه مرگ سرنوی، سکنجه هسای
و حسنا سه سرون وسطاشی و سسل های
مخسنا سه سنا سنا، و سساری اربا
گمونیست هسند.

دو حریبان با اصطلاح حریبی معروف
سه "طلی" و "سرجم"، که سه سسر کردگی
اصفا معلوم الحالی چون سووومخد -
سره کی، اسب و سسرک حان حکومت های
گودنا در کابل را سکنل میدهند، هس
گاه گمونیست و سیری مکتب رهائش -
بحس مارکسیسم - لنینیسم سوده اسد.

این دو حریان با اصطلاح حریبی در رمان
محمد طا هرها، با دنا هساری اصف -
سیان، سال ۱۳۴۴ خورشیدی سسر
سنا موعوا سسریا سه "دموکراسیک حلیو"
سکنل گردید. رهبران آن سها سنی
اصفا خود سرحه و سنا سنا سنا
سووومخد سه ره کی، سسرک کارمل، طا هر
سده سی، سلسنا لایق و سنا آن سها
سوده اس، که با کارگردانی دستگاه جا -
سووی سوووی در رمان خرو سجت مکار
سداد اسده حریبی را، که هدف سس سسررد
مطامع سوووال - امیریا لسنی سوووی
سود، علم کنسد. در همان سکنره سوووی
حرب یاد سه ۱۸ سن ۲۲۷ سن سعووان،
که با آگاهان سدا و رابن ما حرای سوو
طنه گرا سه و طمپروش سنا سه سوده اس، ار
حرب سیرید سدا هسب آسرا اصف اس -
دند. جدی سکنذت که اسب حرب سسده و
حریان معروف سه "طلی" سره سری سوووی
محمد سه ره کی و "سرجم" سره سری سسرک
کارمل سسسیم گنت، که سنها دعسوا ی
میان آن سها منبهم کردن سکن سکر سه عزم
وفا داری سها راب سسشنگران، سسیمی
سوووی، و رفا سب در خو سرحمی در سراسر
اسن ارباب سسشک بود.

سووومخد سه ره کی ره سرحریان
"طلی" سشهادت رفنای هسماط را "س -
جمی" هوندان در گنده سسکین سیک
"عامل سنا" (سارمان جا سوووسی
آمریکا) سو ده که "با و طایف جد سدی که
ار طرف اس سارمان جا سووسی سسگرد"
گرد سال ۱۳۲۲ وارد هر گه ها سوووی
آمریکا در کابل میشود. وی بعدها در
سال ۱۳۴۳ دعوع سارمان جا سووسی
سوووی (ک. گ. ب) سه سسکو سسرود
و سنا سعل جده هسکاری سارو سه سسر -
سالیسی و جا سووسی سرای آن سه

اصفاسان را ره سسرگود، سسرک کارمل
سیرکه در همان سالها وارد هر گه هسگا -
ری سارووی و جا سووسی سرای سارمان
جا سووسی سوووی میشود سه سشهادت ریایی
"طلی" اس سک "امیرا سه ده" درباری و
عسور سسر سده دربار محمد طا هرها سوووی
و کاربا سسگی سسری سسنا سب.
در و سته های "طلی" و "سرجم"
طی سالیهای حکومت اربحای سسجد -
طا هرها سار سدا سنا، رزم سلب سنی و
جماعداران طا هرها هی سوووی سسنا -
لسنا ن در سسرمدن اعبابا سکار -
گران ولح سسراکی سده حشاشک س -
سنمی اصفاسان (حریان "سعله
خاوند") کو سیدن سسنا های دموکر -
سک دهها سنا، سنا هسنا های دا -
سجوبان، حشاشات و سسنا و سسرا -
سره های سسری خامع اصفاسان، که
در شرایط دموکراسی سده سسده سسره
سنا هی وصف حکومت سسرکی سسر سس
اوج سسگر سب، خلاسه سسکنب. سسلاره
آیان سسش حاسی سرای اسجا در مینه
سعووی و سارمان سسو سوووال -
امیریا لسنی های روس، که ره سنا سه در
سنا امیریا لسنی های آمریکا سنی و
اروپا سنی سه سسال گوسش اسنبارار
طا هرها سوووی و کار سنا سنا اسفا دی
و سنا هی ربا دی در آسرا سنا سدا عفا -
سنا سسکل سنا سسنا، ابفا - سسگر سده.
آیان در سارما سده حریبی خود سه سسجد و
سنا "سسرکراسی" حکومت ره سارا در -
رفنه طا هرها هی سیدا سده و ره سسرده
"طلی" سنا هسووی را سسلب سسکرده
و سلا از سسر قلم سووومخد سه ره کی سی -
سووونده که "با دنا سسکین سسنا سسنا سسنا
اساسی سسنا سده" و "اصفا سده" خود را
سدا سه و سسگاه اسسج سسکنسد. سسرم
اسنا در سلب سنی سه سنا سس -
دانت که سسنا طا هرها سنا سسنا سه و
سردار محمد سدا و سنا حلا س معروف سنا -
ریح سنا صراف سنا سنا سنا سنا سنا
را سسکل سسنا سسنا. در آن رمان سسر -
محمد سه ره کی، اس ره سسر سدی "سسلان"
گنده سده اصفاسان، هسجا سده سه
اسسنا سنا سسرت و سسر سسنا های
سشفا سوووی سسره.

لکن سسرا حاماری حکومت
سوووی طا هرها هی سنا دموکراسی
موا سسریا سه ممالی اسرا سسنا سدا ل،
سنا سسده و سنا امیریا لسنی سسنا
گوسا گون سه سسرت خود سسدا سسره -
سالیسیا و سنا سسنا در سسری سسوسس
این سکل ار حکومت اسکا سسنا سه، که
نادر سه سسوسسری اربح سسنا سسنا
سوووی مردم و اسجادا سسنا سسنا
سرای عارب امیریا لسنی سسنا سسنا
سشده در صفحه ۲

حقیقت

کمونیستها ...

اعمالشان بیک سکتوی سخاوری
 ابردرسیا نبود، بانک حکومت متمرکز
 وحشی نوع رضا حابی سدید. در اوایل
 سالهای ۵۰ اضراد محلی سامرد
 ایفای این صحنه سازی تغییر حکومت
 بودند، که سرانجام محمد داود خان
 دیکتا سور، این اصطلاح عصر "حب"
 سوکران سوروی، محافظت مستقیم
 امیریا لیسوم سو سال - امیریا لیسوم
 در ۲۶ سیر ۱۳۵۲ دست به بیک کودتا زد و
 در برده غلام رژیم کمپوری به هرگونه
 صحنه سازی های دموکراسی با یان
 داد.

در آن زمان سو سال امیریا -
 لیسوم سو ۲۴ ساله رژیم خود سالی
 داود را برسیب ساخت و دستخط
 وظیفه "حقیق" و "برجم"، که از قبل
 سرهم دست با ندا سندان - فانیسی
 داود خان بودند، به ساختار "انقلاب"
 دموکراسی و ملی" گنبدیده داود خان
 برخاستند. در آن زمان دستخط "حقیق-
 برجم" برای مبارزه "علیه جریانات
 ارجحی و ما نوثست ها" (سجوا سید :
 جریانات صوفی و کمونیست ها)
 ظالمت شکل "جنبه متحد" با داد -
 جان فانیسی بود و برای رژیم کودتا
 "ناسون اما سی" می نوشتند. آن سال
 کودتای سیاه داود خان را "تحقیق"
 دموکراسی ملی"، "انقلاب حقیق"
 خوانده وحشی سرمانده برده سو سال -
 دیده اعمالشان وعده سندانده که "در
 مباحثه رئیس دولت و خست و رییس

[یعنی داود خان] ایده سو سال لیسوم
 رسماً مطرح شده است. آنان در همه
 حیایات رژیم محیط و فانیسی داود
 جان، که توسط ایشان بعنوان "رهبر
 انقلاب دموکراسی و ملی" و "سو-
 سیالیت سری" تبلیغ سنگین، شرکت
 داشتند و سندان یحیی بساری را
 فرزندان غیرولیت اعمالشان آلوده
 گشت.

ولی سردی هر چه بیشتر محمد -
 داود خان به امیریا لیسوم آمریکا،
 بوردس ارفرش نه عربستان سعودی
 مصر و ایران محمد رضا شاه، سرای
 امیریا لیسوم که آنجا سندان را
 ملک مطلق خود می پنداشت، جوتایند
 نمود. داود خان محمد بیک گوسودای
 دیکر علیه متحدان "حقیق - برجمی"
 خود را داشت. لیکن دستگاه حاسوسی

سوروی و محافظت ارسی و اسبه -
 امیریا لیسوم سو روی، که از قبل اوضاع
 را برای یک چرخش ارجحی دیکر به
 دفع خود مهیا کرده بودند، بیس دستی
 کرده و با کودتای ۷ اردیبهشت ۵۷
 را ما مور را بدست سوکران مستقیم
 خود، دار و دسته سره کی - سیرک، سپر -
 دند. ار همان سردای کودتا تمامی
 اعمالشان به امیریا لیسوم سو روی
 که از بیست و اندی سال پیش کنار
 سو دیپلماتی خود را در انحصار، فرهنگ و
 ارشی اعمالشان آغاریده بود، در -
 بست فروجه سد و حلی ار کارشان
 و حاسون سو روی و اردا اعمالشان
 سدید. سو و کرنا در سر ارجحان سدید
 در آمد و سوگو سوکران سر همده گوسوها
 کودتای سو سال فانیسی و وظیفه -
 سان کابل را بعنوان یک "انقلاب
 دموکراسی حقیق" حار زدند. ولی
 ماهت نصیه را سخن سو محمد سره کی،
 صحنه کردن اصلی کودتا و هم دست با -
 سو داود خان گنبدید: "در اوایل
 حکومت صد انقلابی داود، اکثر سرار -
 دادها شی که با حکومت دوست سو روی
 سو سال لیسوم [سجوا سید : سو روی
 امیریا لیسوم] سید ما، رسیده بود
 همه فقط روی گادما سد و سید انشا هیچ
 رسیدگی نه عمل می آمد."

سو محمد سره کی، اس حاسوس
 سابق آمریکا و حاسوس بعدی سو روی و
 رهبر "انقلاب" حقیق اعمالشان،
 احسای و نظام دیکتا سو روی فانیسی
 را که داود خان به سید کرده بود سو سده
 و عمی بخشید، سو روی ها سو سال بیزک
 گام، در ساری سابق سو کر خطه به
 گوین دست خود را بعنوان سبب
 خستگی سحر چ بردید و ساری روز
 میا داود حرا س کردند.

حکومت سو سال فانیسی کودتا
 با سو و کرنا "انقلاب سدید" سو
 روی خود را آغار کرد: ارسوئی سار -
 مان دادن یک سبکه وسیع دیوا سالاد
 ری، دستگاه حاسوسی و بیگرد مبارران
 و انقلابیون اعمالشان، و ارسوی دیکر
 تلاشهای نابکارانه برای ایجاد بیک
 بانگاه اجتماعی طرفدار رژیم از راه
 "اصلاحات" کدائی ارسوئی که ساه
 مخلوع سیر در کشور ما علم کرده بود.

رسانها بر تود و جو حدهای اعدا امیریا
 کردند. سگاهی سید داوی بانکودنا
 مسی برانجام "انقلاب دموکراسی"
 و مقایسه آنها با دعاوی محمد رضا شاه
 مطبوع در کشور ما ماهت صد انقلابی
 و سو استعماری اقدامات وظیفه سندان
 کابل را بر ملا میسارند. با اسس
 سفا و که محمد رضا شاه مخلوع سید
 "انقلاب سدید" کدائی ملات سندان

را در برای امیریا لیسوم های آمریکا -
 شی برور سیا سندان، و سزه کی - امین
 شاه کابل ملات سندان را در برای
 امیریا لیسوم های روسی بکاک سیر -
 سختی افکند. دو فرمان اصلی "انقلاب
 سدید" وظیفه سندان کابل را بیسر
 "اصلاحات ارضی" و "آرادی سندان"
 شکل میداد.

"اصلاحات ارضی" رژیم کابل، که
 حداکثره جریانات اریمی مالک را به
 دست رارغان می سیرد، همراه با حفظ
 منافع اربابان و خان های اعصاب -
 سندان و باقی سندان بخش اصلی زمینها
 در دست آنها بود. این "اصلاحات کد" -
 شی سیرمانده سو سده محمد رضا سالی آن

برای سارس دادن دهقانان با ارباب -
 بان و حکومت مرکزی و ایجاد بیک سسر
 بر تده حسان دست مدافع حکومت
 حسی کردن حسی دهقانان با راهای
 سوا حی صرفاً صد افراسن سهم خود را از
 محصول ارباب به ۱/۴ داد سید، با سید
 وظیفه سندان حاکم حتماً مدد سو سار -
 کسب سو سال سو را داد. به سخلاره
 دهقانان با چند حریب زمینی که کفاف
 معاش یک ساله سندان را هم سندان،
 سدور آب و سد رو کود و وسایل ما سدید
 و رژیم کودتا با استناد ارا سن وضع،
 با رژیم سو سده محمد رضا سالی، سسلط
 سفا و شی های سید دهقانان خود را سیدان
 آرد و ارضی "بانک انگلستانی"
 کدائی خود، که وابسته به سحراید سار -
 شی امیریا لیسوم سو سال، با آنجا که
 سوانست وام های با بهره ریاد سید

دهقانان سیرد بخاتمان حمیل
 کرد. این رژیم سیردهان دهقانان را
 با حمیل اسطاب با بهره کم سسگن
 دامها، سووی سطلی و سایر بهره سائل
 و کالاهای روسی، که بدستال با ارضی -
 کسند، و همچنین مالکات حمیلی
 زمین، کسیده و در گلوئی سرمایه داران
 دلال و بیورکرات حاکم و اربابان
 روسی سندان سار سکرند. ساید سنان
 "اصلاحات ارضی" کدائی وظیفه سندان -
 سان پرداخت وام های بهره دار بانک
 انگلستانی را عی کمیرادوری و مالکات
 زمین بود. ماهت "اصلاحات ارضی"
 کدائی جری جر عدا ردواج ساره آی
 سندان سرمایه دلال و ربائی و اسبه به
 روس و اربابان و ملاکان اعمالشان در
 ریبرهبری دا رود سده سو ساه حاکم
 سید.

رژیم کابل به نام "آرادی سندان"
 ملان دست با حداکثرن سالیه آرادی
 حقیقی رن درجا سدار مبارره ساسی
 و عمومی سوده های مردورن رحمگس
 اعمالشان علیه امیریا لیسوم و ارجح
 وابسته آن سو حدرسان اعمالشان

را به مسائل در جه دو موبسی معطوف
 و اربابین رهکدر آن سار به هواداری از
 خود جلب کند. اس رژیم سیرمانده
 رژیم محمد رضا سالی در کشور ما سساله
 "آرادی رن" را وسیله ای برای شکاف
 انداختن صرف مردم، به ساید سس
 کداردن مسی سو سگ سترگی در مجا -
 لس و کسرا سندا، سربری سهرنگ سو -
 استعماری در سندان جوانان و سوویج
 مناسبت سیدی سرمایه داری، که هم کس
 کشور های سد سو سال لیسوم اروپای
 سرضی را به ساحتها سالی معروف
 بیس المللی سیدل کرده است، سرار
 داد.

رژیم کابل گوسیدنا سید سو
 سلاطین سطلوی سنا سو سار سید -
 حواهی بخود کسرتنها سالی سعه عواطف
 مذهبی سوده های روسی و سهری
 اعمالشان سری ارسو سسگران
 حلق اسدین و بیکا سهر سرب را در اطراف
 خود جمع کند و ارضی آنها سیرا کند
 انواع سسوم فکری سو سال - استعماری
 (سو سال لیسوم در حراف، استعماری در
 عقل) و حراف ملی سرحید. دستگاه
 "ساواک" سو سال - فانیسی راه
 رسوخ به ساحتها های مردم را گشوده و
 هراس انگری در دل مردم اوج سرف،
 مردوران رژیم کابل سارا سعه سابع
 و سب گاریهای سیرمانده ای دست
 رسد، ساحتها های مردم هجوم آوردند،
 به دردی و عارت و سجا و سندان و
 دسهران مردم برخاستند، روسا سندان
 را برای هیچ بیوج به سید سندان سو
 کنگ گاری گرفتند، جوانان را به سرب
 سسجه های سرون وسطائی بردید و سسر
 سارمانی را با کتلوه پایخ کسند.

حلقهای اعمالشان با این
 کله مردورن سید است کد سو سار
 سیردر ساحتها وسلحا نه ساری آرادی
 حوس و رهائی وطن حویس ارضی
 بردگی بیکا سو سال - امیریا لیسوم
 وساد دست سندان سجاد سیدی -
 کسند. خلق برادران سندان در عیین
 سید عا دلانده بیجی خود سید سندان
 عده حویس، سعی اسالگران روسی
 و دار و دسته وابسته سیرک کارمل، می -
 سایی صوف خود را از مرجع سیدی کد
 در لسان "سارره علیه کمونیسم و لاجا"
 در واقع سفع اربابان آمریکا شی و
 منافع حویس سید سوا می رسد، پاک
 ساسند؛ خلق برادران سندان
 اجاره سو سادا کد آن سالی
 آراد سو سادا سو اسقلال سندان سالی
 با ریجه دست امیریا لیسوم سالی
 آمریکا شی و سو سو سید های حسی
 گزدد!

سقیه در صفحه ۶

آقای نارنگان...

ها می سوم. چیرها شنی که مسلای می گنجد و حواسه ها چه بود؟ ارایس سبیل بود: ارسن سابداعان بود. دو لب ویورزگراسی که عسری و ساهنهای است ساندیر و رو وسهدم بود. روئا و کار سندان سخن دولسی و خصوصی همه سا واکی و دسمن طلی ماو دردهسند ساندسما. دور ربحه شرد، اصفا دسملکت و سخن خصوصی اصفا دسما - نه داری است، سوزرواری وسطام فتودال است، ساداس انقلاب در اولس حمله سابد ناروما و اولج بندولج مال سوند، همه چیر ساندولسی و بعد نسیم بود، برای آسها وارگون نردن نظام ملت و درهم ربحن همه سسب هاو اصول و پایه ها و پایه هادت بود، برای آسها خود انقلاب اصل و منظوران و سابد اسمرا دادا سنا ساند، آنهم بصورت سهر و صومب و سناد و جنگ طبعات، در سیا سب خارچی سیر به عقیده آسها ار استداتبلا می گنسد منتظ یک دشمن وجودا ردوا ریک ساحیه سابد سیر سید و گویسد: امیریا لیسیم"

ساحیه سحر سنا ب و مغلطه هاشی که آقای نارنگان کرده اند (مانند اسکله گویا مارکسیست ها و انقلابیون گنسه ابد همه کار سندان سا واکی هستند که دروغی سادار است) ولی سحر سب مارکسیست ها را بد هم سقیمیده است! چه کسی می گفت بورژوازی احسه اسران حرس است؟ ما نه مردم میگوئیم ما همس حواسه ها را داریم و در راه حقی شان می کوئیم: ما می خواهیم دست سراما - به داران وابسته و مالکی و فتودالها اسرکارگران و دهقانان گنوه شود، ما می خواهیم دست عا رگرو جوسریسیر امیریا لیسیم ارسن عریسرای اسند گنوه گرد و آری می خواهیم بسا "داس انقلاب در اولس حمله" آسها ناروما سوند، ما می خواهیم "انقلاب اسسرار سابد" و... و همه اینها راه چسنگ و

سارزه طبعانی سیداسم! ناجیری را بسپان سنی کسب، انقلابیون راست - گویسد و صعبیت ها را با مردم سیمان می گذارید، چه مارکسیست ها و چه عس مارکسیست ها! ولی آخر همه ایس حواسه ها کجا سنان ساد است؟ کجای خلج پیدا را میریا لیسیم و هم دسنا سب است که اسعد آقای نارنگان را نصای کرده است؟

آقای نارنگان ارایس اسر دلجوران است که ارایس حواسه ها و سارها، که حواسه های دهی وسد ارگرا - سانه مارکسیست ها، بلکه حواسه هاشی هستند که اریطن جاعه تلا کسب رده اسران سرحسیرد، در دل مردم خار کرده وسد سسال خود حرکت اجتماعی سنا سربسد! آقای نارنگان ارایس... کجای خلج پیدا را میریا لیسیم و هم دسنا سب است که اسعد آقای نارنگان را نصای کرده است؟ آقای نارنگان ارایس که ان حواسه ها و ارایس سارها،... در دل مردم جا با ر کرده و سبد سبال خود حرکت اجتماعی میا نریسند!

دلجوران است که سلسوسها سدر در سیر سار "آمریکا، دسمن اصلی ما" درجا - ساسها رده می رود، ارایس دلجور ان سب که صدها هزار دهقان سمدیده در سسرحم "جانب ار فتودال، سوسطشه سرامه دار" نه جاساسها سسرها خاری می سوند! وسنا سزاین سسیرس وعظ می سرامید: "سدار سده هم و سیرس که آریا سوعش سده است که بخود سنا سیم؟ و همه دسته جمعی ارایس سسوال را مطرح سگسیم که انقلاب ما نه کجاس می رود؟"

ساحال آقای نارنگان سنا مارکسیست ها و اسها با مردم در سبب سهد اصلی سیرد در سادکامل سسرار دارید، ولی با لآخره هر کس و هر طبعه ای (اگر چه در ظاهر آقای نارنگان و هم - سسلسکاس حتی اریلب "طبعه" سسر و حسدارند) و مسجمله آقای نارنگان چه بخوانند و چه بخوانند در سسبار ره طبعانی درگیر سدر سسبای سسابع خود، هدمی را سب حمله میگیرند، هدت آقای نارنگان، طبعه کارگر، رحسب کسان وسما سندگان سگری آسها یعنی سسروهای انقلابی و بخصوص مارکسیسها هستند و همس ره سیدن دسنان اصلی انقلاب، یعنی امیریا لیسیم و پایگاههای اجتماعی داخلی شان، ار حمله مردم و با لعن سب حبت دادن سسکان حمله سسروهای انقلاب، آقای نارنگان را چه بخوانند و چه بخوانند آقای نارنگان را در صفا انقلاب سرامید همد.

آقای نارنگان ارایس هدت خود را دارا سراسی ارا و اص جاعه سس ار نیام، کاملا روش می کند: ارایس

صحت می کند که چگونیه سسروهای انقلابی گنسد که: "...اگر در سسبار ره علیه اسسباد و سیرای آجراج ساه ساسما سوبدم جس سبب که حطمان چدا سوند و سیرا سهای انقلابی خود سنان را سدید اسعیب سگیم". با بدنه عرض آقای نارنگان سراسما که اول: سنا حطها سیمان حتی سسل ارفسما سسمس و آجراج ساه اریکدیگر خداسود، سسنا می خواه سید "ساه سلطنت کند، س حکومت و امرو ساسا دانکار سایدیری ارایس، حط سسخط و صدا سفلای سشار وسده است، در صور سکه انقلابیون می حواسند سباط سلطنت وسما می پایگاههای اجتماعی اس درهم سروزیرد. وسنا: سنا کاملا سدرسی می گوئسد که انقلاب سسور حواسا ر سعبیت سدید سیرا سبه -

... کجای خلج پیدا را میریا لیسیم و هم دسنا سب است که اسعد آقای نارنگان ارایس که ان حواسه ها و ارایس سارها،... در دل مردم جا با ر کرده و سبد سبال خود حرکت اجتماعی میا نریسند!

های انقلابی خود سوده و سسسد، اصلا ارایس کجاس ساد است؟ می داسسم ار سطر سنا ساد است چون سنا اراداسه و اسسرار انقلاب و حسدارید، سسور اس انقلاب سلاخره سیدیریا رود داس سنا راهم خواهد گرت سس. آقای نارنگان ارایس که انقلاب و سسروهای نارنگان از اداسه انقلاب و سسروهای اجتماعی و سسبای سسب سنا سرحسب است.

دارد و آسها را هدت حمله خود می داسد، ما هم به آقای نارنگان می - ... سنا کاملا سدرستی میگوئسد که انقلابیون خواستا ر سعبیت سدید سیرا سبه های انقلابی خود سوده و سسند و اصلا ارایس کجاس ساد است؟ می داس نیم از نظر سنا ساد است، چون سنا از اداسه سسرار انقلاب و حسدارید، چون ارایس انقلاب با لآخره سیدیریا زود داس سنا راهم خواهد گرت سس.

همه سها دها و همه حواسه های انقلابی اریقطه نظر آقای نارنگان سسراحم هستند، سسوخه سسید سبه سسوسه: ۱- سار مسلح سون مردم و حسدارند: "آن رمان (بعدا رفیام) حیلی ها ارحم می سیر سید س انقلاب ما چه سبازی نه اسلحه دارد (؟)؛ مگر ما می خواهیم با خودمان در سسسیم؟ آن اصل کاری را که سسیرون کردیم و رفت و ارایس سلاح هاشی که در دست مردم است با حطاب دسمن خارچی که سنی سنا سدر و سیرا سب" سنا سنی داس سسیم که یک خلج مسلح یا ارای مقا و سدر مقابل دشمنان خارچی سدارد، سسما لاید سنا سسما سساکر و سسما سمدنی سها راب و سبور هاشی قلاسی شان ساند، ولی آقای نارنگان سسورشان ارایس که مردم را خلج سلاح میبا سستی میگرد سید که سرامها وسنا - سبه های سساری سسزا درند، ۲- سبحد لعن سها هرگونه اعمال سدر سار طریف مردم و رحسنگتان: "کار سها ای را سسال سسرم... کارگران سسورانی

دوست کرده اند، حالا این سورا حسه انداره سسب همه ساد و سنا سبب سنا و سسب سها ای حاسی در سب سده سنا سمدیداسم" و "... ادعا سنان ارایس است که ما یعنی سورا سنی ها سنا سید رئیس و سسولس راعیس سگیم..."

۲- سربوت هرگونه حواسه سب سس رحسنگتان: "سرادران عزیز سسار - گران ما اس حرمها سسرا س سسسود، زالبسه سرادرو "سیریز" هرد و سساراب هستند) سابد سسرد و ساداس و کسکها و سسرم و حطاب سشار وسده است، در صور سکه انقلابیون می حواسند سباط سلطنت وسما می پایگاههای اجتماعی اس درهم سروزیرد. وسنا: سنا کاملا سدرسی می گوئسد که انقلاب سسور حواسا ر سعبیت سدید سیرا سبه -

... کجای خلج پیدا را میریا لیسیم و هم دسنا سب است که اسعد آقای نارنگان ارایس که ان حواسه ها و ارایس سارها،... در دل مردم جا با ر کرده و سبد سبال خود حرکت اجتماعی میا نریسند!

کجا سبب سسب سسورانی سسورانی

حقیقت

آقای نارزگان ...

درهم ریختن همه سنبلها و اصول و مبانی و با به ها هفت بود" اسحاق است لیب طلب . آقای نارزگان کدام نظام را "نظام ملت" معرفی میکنند ؟ کدام سنبل ، اصول ، مبانی و مبانی را "نظام ملت" معرفی می کند ؟ به عقل قبول سوجه کنید ؛ " حیرت انگیزه که عقل می گنجد و حواسه ها چه بود ؟ آری این سنبل بود ؛ ارزش یا ندانان نمود ، دولت و بیوروکراسی که عربی و شاهنشاهی است با بدتر بیوروکراسی و شود ، روسا و کارمندان بخش دولتی و خصوصی همه ساواکی و دشمن خلق سا و دزد هسنبلها پیدما دور بر حبه شوند ، اقتصاد و ملتک و بخش خصوصی اقتصاد سرمایه داری است ، بیوزواری و نظام عشودال است برای آنها وارگون کردن نظام ملت و درهم ریختن همه سنبلها و اصول و مبانی و با به ها هفت بود " آقای نارزگان نظام و اساسه سیستم امپریالیسم را "نظام ملت" می دانند . استعمارکاران و دهقانان را بدست سرمایه داران و اساسه و عشودالها و ملاکس بزرگ را "سنبل و با به ها و مابعد ها " می این نظام پیوسیده و سطح می - دادند . آری سنبلها و بیوروکراسی و دولت سطحی که حافظ منافع امپریالیسم و ارتجاع بود ، جزو پایه ها و مبانی "نظام ملت" است ؛ برای آقای نارزگان بر حمی شده است با نظام پیوسیده و سیستم کهر در حال بیوروکراسی را نظیر کند .

آقای نارزگان با حارندن آن نظام "نظام ملت" و "سنبل" در حقیقت نظیر آنها سرخاسته است . چرا که خود شما بنده آن سرما همما می ، موسوم به بیوروکراسی ملی و لیبرال انسان است که بندها می با آن نظام سطح پیوسیده دارد و در هم کشتی کامل و ناموس و نام آری راجدست با خود سر می بندد!

آقای نارزگان با انقلاب را میخواهد به کجا ببرد؟
آقای نارزگان به اوضاع جامعه می نگرد و بیابان آن راه حل ارائه می دهد . آقای نارزگان اریکوسور و هجان مردم را برای ادامه انقلاب سر علیه امپریالیسم و نابینا جبهه ای داخلی اس می بندد و سخت بر آسفسه می شود "عقدار" می دهد و می گویند " اگر ملتک را در سر آری خطرناکی می بینیم ، سر مرکبیم ، طوس را بگیریم و خواهیم که سخا های درست و مطمنش و سلاست و صحیح برود و به سر برسد" سخت بر آن سفسه می شود که حراحی سرخی

سر و ه های مذهبی ، سفارهای صدامی - یالیسی و ضد عشودالی و صدار سخا می بندد و آنرا با الحراف بنداند . آری سبب انجلیون و دل سوختگان و حسن بندد آنرا برای پیداستی و پیروزی برای اینکه جوانان و مردم را از دست چینی ها و ما رگسبت هاد در دست آورند آنها مانع کننده رده می - گویند ما خود ما مان محری این برنا همه

و سفارهای سویم . آقای نارزگان آری این حرکت سخت حسگین است ، چون هم بیوروکراسی این حس کرده است که اس حرکت ، منافع "مقدس" بیوروزی را با لاجره به خطر خواهد انداخت . آری سوی دیگر آقای نارزگان ، ما عهد در هم ریختن صفوی "معد" هم شما - ما سن است ، ما هاد است که چگونه آن احادنا مقدسی که ما هم پیوسیده

سخت صریح است در حال بیوروکراسی است ، ما هاد است که دیگر آن گونه که در عرض ۹ ماه خرده بیوروکراسی را سر علیه طبیعت کارگزاران انده بود ، این سر و با همان قدرت با سنی ما رده ، و ما بر این می گویند : "حویبنا به اسحاقیات مجلس در پیش است - یک آن بی املات آن موقع بدیم و به بندارک آن سر در ایم ، سعی کنیم خوب سرگزار شود . در آری این و سر رادری و امنیت و نظم ما بندگان نظم منس نا صلاحات و امنا ملی و مسلمان اسحاق یکم " آقای نارزگان بیسبب هاد "احاد" دوباره با هم ملتگان سر و عجبی خود ، ما خرده بیوزواری می دهد می گویند همه اس ما رده علیه امپریالیسم و عشودالیسم هم کنار

نگدار بندگانه اس ما رگسبت ما بودند که "در سیاست حراحی سیره عقیده آنها که را با بدستلا می گنجد معطل یک دشمن وجود دارد و اریک سناحیه با بدتر بندد و گویند : امپریالیسم و ما سودم که می گنیم ما بدار "گوسیم" سر پیسند

این کوره را می است که آقای نارزگان میخواهد انقلاب را اسنادن سوخر کند . و در هم سن کسوره راه است که اسنا و هر سر روی دشگری که وارد شود ، به آلب دست امپریالیسم و به سگوی سلطه محدودنا سم و دیگنا - سوری مرعبین و امپریالیسمها تبدیل خواهند شد ، و آن سنی که در مورد مردم و انقلاب آورد ، سپهر را هر کس در مورد خودنا مدن کند و ما محی همیم که به آقای نارزگان بگوئیم :

سر بر می به کعبه ای اغراسی کاسره که سو سر می سر کسا ن است *

کمونیسمها . . .
سوئال امپریالیسم روس پس آری تکه کوس رسوایی و ورنگسکی با بدتره کی در برابر فیریا میهای ملحا به خلق در هرات ، دره صوفی و نقاط دیگر افغانستان به هاد در آمد ، بره کی را برداشت و پیره دیگر خود حفظ الهامین را در رأس کارها کماست ، ولی نوشته بیورد صلحا به

مردم افغانستان در سال سر می ، عرب ، شمال و جنوب کشور چنان عرصه را بردار و دسته حفظ الهامین سبک کرد اما بیدگه رژیم کابل حسی با حضور هزاران کارکنان جنکی ، حلیان و بحیا تکن روسی ، اصل عام در بر دنا و بیسار ان مردم بیگانه هاد در بند ایسان برای خود پیوسید . در آخر امپریالیسم بیوروی تمام برده هاد را به کنا رده و عه سیطانی اسفعال نظامی افغانستان را طرح رسمی کرد و ضمن یک کودتای قرضی دیگر ، که بیوروی کار آمدن سوکر معروف سن بزرگان کارمل منجر شد ، سپرها و نقاط حساس افغانستان را به اسغال نظامی خود در آورد .

امروز ملت فیرمان افغانستان برای آزادی وطن خود به حاکم عادلانه بر رکی علیه اسالگران روس و دست سنا سنا سنا ، علیه بیوروی هادی که سر زمین سنا سنی شان راه مستعمره یک بیوروی خوشخوا رینگانه تبدیل کرده اند ، برخاسته است . تمام کمونیست های راستین افغانستان همرا به مردم سلحشور خود در صحنه های اصلی جنگ مسلحانه بیگانه می کنند و بدینسان در برای حویسی را که مان سوئالیسم و اصنی و سوئال - ساسیم که در واقع همان ساسیم معمولیست ، وجود دارد همه جها سنا سنا سنا سن سن می دهند .

* * *

حقیقت



**ارگان اتحادیه
کمونیستهای ایران
را بخوانید و پخش کنید**

کارگران فلور مبارزه اخبار کارگری

را ادامه میدهند

اصفهان

ا رهبران کارگری که در سبب سمدرب ورودی شماره ۲ شرکت فلور هر روز جمع می‌شوند، پس از مدتی سپاه ۱۳۰۰ نفر از ۱۱۰۰۰ نفر کارگران و کارکنان با این شرکت حیات اسما پروژه، با لاسکا هپیران در اسحدا ماس شرکت در آمدند. از همان بدو شروع اسحدا محدید، کاره گرانکه مدب ۱۰ ماهه سیکاری گشده بودید، برای اسحدا م؛ محصور بودید بد بیرون فرادادی سن دردهند. با بعضی ها فرار دادی ۳ ماهه و بعضی دیگر ۴ ماهه و سقیه ۵ ماهه. از حقوق ۵۵ نفر از کارگران با درجه فورس و سالا ارحله جبرال فورس و سوپروایزر کسرتومیزان و نئمای حقوی جدید اس عدها شین آمد. بجراب مستوان کتت که رهان آغا ر دو باره گار، حرکا با اعراضی جدیدی در ارتسناط با ۱۰ لعودر ادا دم عقیدا کلیه کارگران و ۶ ماهه کردن کلیه فرادادها ۲- حق ممکن ۳- حق سورا هی ۴- با من کاروا اسحدا مدر شرکت کتت ۵- اسفاده زلباس و کفشی اسمنسی ۶- استرداد حق از دست رفتید ۵۵ نفر مطرح کردید. در این مان شورای کارگران که نسبتا مترقی و مسککل از نما بیندگان بخشهای مختلف خوب نگاری، سرو، لوله بندی و... بوده با آمانیانی نظیر ننگ دل (سما) پیده داد ساسی از بهران (و شوروی (سما پیده دادستان اصفهان) تماسی در تاریخ ۵۸/۸/۲۲ گرفتید می شود و لازم الا حرا بودن قانون کار قدیم (طا غوسی) تا تدوین و تصویب قانون کار جدید از طرف این آقایان گوزند میگردید و در مورد کلیه خواسته های کارگران اقدام سوشتن نامه تلگرافی به "شورای انقلاب" میکنند. و این درست آغا زیگ منا ره زرا نویید میدهد که در یک طرف کارگران و شورای کارگران و کلیه نما سدگان سدیگا و سرپرستان مربوط به امور کار و در طرف دیگر " شورای انقلاب " و کلیه مراح معتبر از طرف این شورای از جمله اسناد اصفهان، رئیس شرکت نفت اصفهان نمایندگان داستانی از تهران و اصفهان، رئیس شرکت ملی گاز، وزارت بهداشتی، اداره کل بهداشتی اصفهان و آقایان روسای شرکت فلور (جمعی آلمانی

در میبستگی که مقابل در خروجی و در سارکینگ شرکت انجا میگیرید مبارزه ملت ایران تا استقلال کامل از قید امیریا لیستها حمایت گردیده و اعلام میگردید که اکنون که آمریکائیان از ایران در زمینهای بیگونییم خود ما کارگران - کارمندان مهسد سین و متحصمین ایرانی این پروژه را بداتما بر ساسیم و ما هیچ احتیاج حی به دیگران نداریم. همچنین اعلام میگردید که این سرحیح کاره گری را نمی توان سدا خراج گند و فقط اسفالی کارگران از سغه ای بسه سغه ای دیگر در کشور در رابطه با باز آن منطقه تا بل نسل است. در این میان شورای کارگران کماکان به ساس خود با اضدادوارگان سغای مخلف کشوری در امور مربوط به خواب سغای کارگران که در راس آن ساس مین کار برای آیدند این کارگران زبده و ما هررا، بر صرا میسازند و اگر مطا لعدای از اعلامیه های این سورا دست دهد خوبی نمایان میگردید که این شورای در آغا را با دانش امید فراوان به ساسها و دیدن زبدها - شیکه از مقامات دولتی داشته اسد کم کم سراسر روشن شدن کلیه مفاسد سیاسی و پوچ بودن وعده و وعیدهای این مقامات پی میبرد تا جا شیکه در یک اعلامیه و دیگر اعلامیه های اسلحه سهدند از طرف شورای کار گرفته میشود. رعن آمریکائیان بر طبق نظرات عده ای ساعت خواهد شد که تمام کارها بخوابد و ایرانی ها از انجام آن عاجز میمانند ولی سجر به نمایان داد که حتی رعتن آمریکا شها شیکه در سمت کار میبوترا مرحور و شهاب و محاسسه حوصفیا را انجا میدادند با اسصناط آهسب خود کارگران و تسهیل در امر حضور و غیاب و اسفاده از ساسیل استدائی دیگران مسائل را حاصل کردند. در این مدت از طرف سورا مرتب اعلامیه بیست اعلامیه ما در میگردید و نتایج گفتگوها شیکه با مقامات استان اصفهان و مرکز "شورای انقلاب" و... گرفته میسدا گار کاران در میان گذاشته میشد. از کارگران خواسته میشد که سغهای

و آمریکائی) با اسال " سفارت " آمریکا در بهران از طرف دانشجویان سرو خط امام، موج صدا میریا لیسی که از طرف مردم در سراسر کشور با سورا سسال گردیدید شرکت فلور همدها سن زد. در طی نظرات و جلسات سخن رایی که در صحن کارخانه ها سفا ده سوسیالیست های کنیف آمریکا میس بر محاصره امتدادی - سیاسی - نظمی و مسدود کردن کلیه راههای سوران را در با سگاهی آمریکا میس محکوم کرده و شرکت فلور را ملی اعلام میدادند و این جریان را طی نامه ای سیدرج در اطلاعات ۳۰ آبان ۵۸ به "شورای انقلاب" و دیگر کارگانه های دولتی اعلام کردید. " ... از آنجا شیکه سابعه سوه اسفاده از ساسیل شرکت بر سر زبدها ساس قبل از سوضیح وضعیت قبلی و فعلی در خواست موکد داریم به این علت که تمام سرمایه شرکت مسلقه به همه ایرانیان است افراد مسئولی را حیح سرتمااری و نتت کلیه سوسایل و دارایی های آن گمارده ... " سراسر اسفاده گران پشرو و سحر سبهای آموزنده بعضی از نمایندگان سورا و سندیگای کارگری ماهیت بیما نگاران در نزد آنها بر ملا مسدود یک موج صدیما نگاری در بین کارگران ایجاد می کردید. در این نظرات که بطور منظم از مقابل هر کارگاه توسط افراد کارگران قسمت شروع میسود. در طول مسرجا ده یک سده دروازه خروجی سرتت منتهی میگردید کلیه کارگران به صورت یک صف فشرده ولی طولانی با دادن شعارهایی مثل " مرگ سسر آمریکا "، " مرگ برکارتتر "، " دشمن کارگر کیسه کارتره "، " این کاره تر را با بدگشت جدا لگده با مشت "، " دانشجوی خط امام بر تود رود بر تو سلام " نفرت خود را از امیریا لیسم آمریکا نشان میدادند. موج ضد آمریکا می بقدری شدید بود که در تاریخ ۵۸/۸/۲۲ کلیه آمریکا شیان از ایران خارج گردیدند و شرکتای دزد آلمانی خود را که فقط ۳ نفر بودند با دونه کار با دانی سجا گذاشتند.

اخبار کارگری

گزارشی در مورد مسکن کارگران شرکت نفت

اس گزارش توسط کمیته کارگری دست ما رسیده است که بنا بر بررسی اردرها و ریحهای کارگران مهران صنعت نفت، و دستورها و سوطه‌ها طی است در برای معرکه کردن آنان از سبب رعیتکسان خامه عمل می‌آید.

یکی از مسائل که در دوران اعمار با شرکت نفت و قبل از آن همواره در درون حواصه‌ها گنجا شده میبود و جای خاص خود را داشت و صنعت مسکن برای کارگران بود، بخصوص در آنجا که کارخانه‌ها با لاو طوری بود که یک کارگر شرکت نفت، با آن وضع "خوب" از نظر مردم و زندگی "مره‌ای" که صنعت نفت برای آن صادر کرده بود، می با بستی در حدود حقوقش را، بنا به هم‌بستگی، می دادند اما حای در حصر آتاد* یا احیاناً آسبه آتاد برای مسکن می دادند و در آن جا بگزین مسکن، البته مجبور بودند در سراهایی که صاحبان آنها بیایان بوجود می آوردند و در آن جا و دل برای یکبار کردن بندیرند. علاوه بر آن مسایسی مبلغ هنگفتی بول برباست مصرف آت و بری میدادند. با اینهمه نقاصیل شرکت نفت با ببت گرایه مرل حدود ۲۵۰۰ تومان به مجرد (توضیح اینکه اگر کارگر مجرد با بدروما درس و بطور کلی با حانواده‌ها مسکنی میگرد و خرج آنها را میدادند شرکت نفت مربوط نبود) و ۳۰۰ تومان به مساهل میدادند و بستی. دستر شرکت نفت را این باب مسئولیتی نداشت که کارگران حانواده رسیده‌اند ولی برای کارمندان بهتری خانه‌ها را در زمینون کارمندی - کما ببارس و گوروش تهیه میدیدند و علاوه بر آن معذاری بول با بت آب و گاز و بوق نیز دستخوش به کارمندان می دادند، در ناسی علاوه بر اس بول نیز راکولرمانی در ناستان و هیترو بیخاری و آبگرمکن در رمانس سرمنسوا نستند استقا ده کنند در صورتی که در تاسمان و رمانس سردخورستان کارگران حتی اروسایل اولیه زندگی یعنی کولر و بیخال و بیخاری بی بهره بودند و اگر داشتند قدرت استفاده از آن را چه در خانه‌ها بی که با مکانات بصورت و امخریده بودند و چه در خانه‌های احاره‌ای نداشتند و قس علیه‌الله، البته ما گفته‌اند که تعدادی از کارگران خانه‌ها را با مسای نداشتند که این سبب خود ضوابط و مقررات شخصی داشت که اگر فرما بیک کارگر میخواست به این خانه‌ها را با بی برسد مسایسی هفت حوان رستمرا طی میگرد و معذاری بول با ببت رشوه به این رئیس و آن رئیس بدهد و بعدا حیاناً اگر امتنا زاتش رسید یک دوا تا مه در کوبت عبدا له بوش می دادند و میگفتند ما ۱۰ تا ۱۲ بجای بسجای زندگی کی و صدان در ناستاید که خانه‌ها را از ب میگیریم، بعلاوه کارگمان خا رجی که در شرکت نفت بودند به ما تب بهتر از حتی کارمندان رسه‌های ۱۰ و ۱۱ بودند و مدرنترین خانه‌ها با کلیه وسایل و امکانات را در اختیارشان میگذاشتند.

بسیار انقلاب مردم ایران و بیس ارمنا ررات کارگران ایران بخصوص کارگران غیور صنعت نفت که بنا به حرکت حیا نی امپریالیسم را در دوران اعتصاب با ب بستند همه مردم فکر میکردند وضعیت مسکن حل خواهد گشت ولی این مساله حیا تی حل که نگشت هیچ یکی از مسائل جنگالی روز نزن شد. البته ما گفته‌اند اما اینکه ما له مسکن بصورت جنگالی در آن بد کلیه مردم بخصوص کارگران صنعت نفت بنا به درخواست ما با "صبراً انقلابی" با این امسر مواجه شدند. در شرکت نفت نیز جنس خیال میشد که با "صبر" مسائل حل میشوند اما ار همان اوایل این امید به بی‌اس مندل گشت و حتی مساله‌ای نداشتند بیین کلر کارگران صنعت نفت و اهالی شهرها را نیز شکر آب کرد و هر فردی که به کارگر شرکت نفت میرسد و او حیا با کله و شکا بستی میگردند میگفت شما که وضعان

خواست و بنا به دانشگاهی دانشمندی و بوقول یکی از کارگران که در مدل سکرد و میگفت "شرکت نفت بیرونی مردم را سوراخ کرده و داخل خودمان را سوراخ کرده" برای بسبب در سریع کارها کمیته و آگاری منارل بعدا رفعا بوجود عدولی افرادش بخاطر اینکه واقعا کاری نمی توانستند بکنند یکی بعدا از سکری سعویس میسند و بیدون بر ما مه و هدف. این کمیته کارش را بسدون که واقعا سعیری بوجود آورد اما داد ما دهی بر ما مه‌گی آن نیز معلول بنا ما های رسادی بود که با ببت حانواده را صاحب کارگران میسند، این کمیته بنا طراسکه "بهبودی" بنا و ما ع ببخند با دست با حتی جلورفت و بعدا رحدوده سه ما هالی چهار ما که سواست کاری انجام دهنده بدون اینکه بداند چگونه میسند و بعدا رکنی در سطح شرکت نفت هوا روجودا رد و جقدر آنها احتیاج با خانه‌ها را رد و جقدر با بدمسال آنها عوض نمودند بیک اقداما در ما کرد و این اقدامات توسط حمی بسا مدامش بپور که در کمیته و آگاری مسازل کارمی کرد به و موع بیوست و خود سرتا نه و بیدون اینکه عوامب این کار را در نظر بگیرد دستور میدادند که هر کارگر و کارمندی برود و در سال حانواده و هر وقت پیدا کرد شرکت نفت آن را اجاره میسند و برای کارگران ۳۰۰۰ تومان و کارمندان ۳۵۰۰ تومان گرایه میدهند و بدین سلسله سکا ف عمیقی بین کارگمان صنعت نفت و اهالی شیری وجود آمد (البته ما گفته‌اند که این سکا ف قبل از انقلاب بود و بوسیله انقلاب برسد) این یک فاجعه در ما ک بود که برای کسانی که در سطح شیری گرایه بشتن بودند و بدین سلسله گرایه حانواده‌ها با لایحت و طوری شد که دلالت و کسانیکه خانه‌ها را رهمیدند میسند و بعدا شرکت نفت مد هم‌وج برای کارگراسی که با ۱۰ الی ۱۲ بجای در کوبت عبدا له و کارگراون در دوا با مسه‌های شرکت نفت زندگی میگردند چون میگردند ما فقط برای کسانی که صاحبان در خانه‌ها را رهمیدند و آنها بی که در رسدنا سدر همان خانه‌ها رسدندگی کند و بدین سلسله شستی سبب در سطح شیری وجود در شرکت نفت بوجود آمد. آخر دست همار ۲۶۰۰ نفری که در خانه‌ها سبب حدود ۸۰۰ نفر حانواده شدند و ۱۸۰۰ نفر در کورسور خانه‌ها رسدند و بیلون و سرگردان سبب سال کمسب که خانه‌ها بی برای آنها تهیه کند. با نما بین تفاسل هوزما سبب مدیم کارمندان در زمینون کارمندی - کوروش - کیا بسا رس خانه میدهند و کارگران منزل مدیم یا بیدیه کوبت عبدا له و یا احیاناً اگر در کارگراون حانواده بی شد بیرونی والا حانواده‌ها بی برای آنها نیست. لازم به تذکر است که بدین خاطر لفظ کارمندان کارگر را میسرم که بعدا از انقلاب میسند و بیکر ما له‌ای بنا مکارمندان و کارگرا وجودند و رهمه‌ها هم برابرا رسدند ولی در عمل با رهمه‌ها میسند و کس همان روابط استثنائی و اربانی هوزر وجود دارد و برایشان نشده است. ایر را نیز با یاد ما که کمکه در دست خود شرکت نفت فعلا حانواده‌ها بی که خا رجی‌ها در آن زندگی میگردند و وجود دارد که خالی هستند و بلا استقا ده‌ها نده‌اند که در این اوضاع و احوال بحرانی نیز دست اندر کاران حاضر نیستند حانواده‌ها بی که کارگران و کارمندان جز از آنان اسفا ده کنند.

وام مسکن

وام مسکن نیز قبل از انقلاب به صورتی بود که فقط کارگران رتبه‌های بالا و امتیاز دار میتوانستند از آن استفاده کنند که مبلغ آن در استقدا ۲۵ هزار تومان بعدا ۵۰ و بعدا ۷۵ و بعدا زمسارهای رسیده به ۱۰۰ هزار تومان رسیده و با این پول هیچ کارگری نمیتوانست حانواده‌ها بی بخرد چون رمان طاعون خانه‌ها زیادگراون بود و او اگر احیاناً کسی میتوانست ببرد، می با بستی یک عمر خود و فرزندانش زیر بار قرض میسند. بعدا از انقلاب وام مسکن کارگران از ۱۰۰ هزار تومان به ۲۰۰ هزار تومان و سپس به ۳۰۰ هزار تومان رسیده برای کارگراتی که میخواستند را برین طریق حانواده‌ها بی تهیه کنند و زندگی شما بینه مشکلات و در سراهایی بس عظیم همراه داردا لسته‌ها گفته‌اند که این افزایش وام مسکن از طریق مسکن کارگران بود و همزمان با آن در سطح سپهر نیز قسمت حانواده‌ها بی فرونی بلافاصله با لامیرفت بدین سلسله بود که اگر فرما کارگری میخواست او را ما سفا ده گتم میسایسی بنگاه‌ها را و دلالت را بسبب حانواده‌ها بی با سفا ده گتمه‌ها بی حصری با دبا احیاناً آسبه آتاد پیدا کند و برای خرید به شرکت نفت گرا رس نماید شرکت نفت هم وقتی اربابهای خود را میسرتا داری طریق قیمن آن را ۲۵۰ هزار تومان میرد و اگر محسور میتند ۹۰ هزار تومان بقیه را ابقیه در مفصسه ا

اخبار کارگری

- روز دوشنبه صبح کارگران جلوی دفتر جمع کردند تا درباره موضوعات مورد اختلاف با "ارنی" صحبت کنند. کارگران هنگی مضموم بودند که خواهستهای خود را بگیرند. خواهستهای کارگران عبارتند از:
- ۱ - انتخاب ۲ نفر نماینده و معرفی همکاران آنها با شورای کارگران
 - ۲ - گرفتن "پادان" ماهیانه (۵۰۰ تومان)
 - ۳ - گرفتن حق تنها ماهیانه (۸۰ تومان)
 - ۴ - گرفتن یک بشکه ۴۰ گالنی از شرکت با قیمت نازل (۱۵ تومان)
 - ۵ - عدم پذیرش کار "کنتراتی".

در نتیجه پی گیری کارگران و فشاری بر روی خواهستهای بحق خود توانستند بلافاصله از میان خود ۲ نفر نماینده انتخاب نموده و بدین ترتیب پس از مدتی متورب، نمایندگان کارگران بواسطه کلیه خواهستهای آنها "ارنی" بحمیل کرده و از قبول بگیرند که تمام آنها را برسمیت شناخته و در مورد آنها عمل نماید. سپس کارگران با این اعتقاد که: کار آنها تعطیل نمی کنند، ولی بجموع خودا گرم شده شرکت "کیبیا" را حراج خواهند کرد، به سرکار خویش برگشتند.

برکت "کیب" ...
 ۲ - کار ما خواهد بود است مدت کمتری به کارگران مرید هدور و دوسر آنها را اخراج نماید.
 در آنروز هم بعد از توافق بین "ارنی" و کارگران "عایی بند" بلافاصله لویه نیروی موجود در محوطه کارگاه به خدمت گرفته شد. کارگران حتی از وقت بیمه با عتبهها رخصتی کردند تا کار را در روز ۲۲ (شنبه ۵۸/۱۰/۱۹) طبق قرارداد معمول دهند. رجم ۳۰ نفری کارگران تنها ۲ نفر از شرکت در ایستگاه برارده د خودداری کرده و با غیبت خود در روز یکشنبه عملا مخالفت خود را با جنین براردهای استقامت کارخانه، ابراز نمودند.

بخاطر آزادی کارگران زندانی متحدانه مبارزه کنیم

مردم مبارز ایران:
 حدود دو ماهه در ایران با ن شخص ما کارکنان شرکتیهای حفاری میگردد. شخصی که با وعدههای هشت فرستاده شده از طرف معین فرو "شورای انقلاب" سراری برآورده کردن خواهستهای ما بیایان رسیده بود. خواهستهای که حقیقی آنها هنگام مبارزات صدامیریالسنی مردم ما برای قطع هرگونه وابستگی به امپریالیسم آمریکا و تصفیه حساب با شرکتیهای حفاری خارجی و اعلام ملی شدن تمامی آنها و ایجاد شرکت ملی حفاری ایران در خدمت تعیین آن متواسب باشد. اما امروز پس از گذشت دو ماه، هنوز هیچکدام از خواهستهای ما جزا عمل بخود میسر نشده هیچ، بلکه دوس ارتما یندگان ما نیز دستگیر شده و در زندان بسر میبرند. ما قطعاً نخواهیم که علام میکنیم که حقیقی خواهستهای ما که مسی در جهت بیسیرد مبارزه صدامیریالیسی و فدا رتجای ملیت ما است و به هیچگونه گنهت و ساری، به توسط برخی "نمایندگان" و به توسط هیئت جدید فرستاده شده، پس می دهیم.

رور ۴ سبه با لآخره کارها هما م کلیه کارگران بهما م رسید و سرار داسه شد که روز سه ۵۸/۱۰/۲۲ اما همکاران ۳۰ ما عتبه آنها برداشت گردید. در طول انجام این فراردها در گوشه و کنار مرمره های مخالفت با عفتد بنگونه فراردها که معمولاً از طرف چند عنصر "ریش سفید" و "چاپلوس" به لیه کارگران توصیه میشود، درمی گیرد. کارگران آگاه مدرسی بین دیگر ارگرا با اعتنا گری میگردند: "سما حقوی بکما ه کار ربعی ۳-۴ هزار تومان را ۵۰۰ - ۳۰۰ تومان پادان مروتید"، "اینگار حیا ن به ملسب ایران سب چونکه کارها عجله خوب از آب درمی آید و این انگلیسی ها با لاجـــــــره و رشان را گم می کنند ولی ما می ماسم و یک سال ایسکه عیب دار"، "دیگر سباید رابی سوع فراردها ببیدیم ..."

- در بد بحض رسیدن خواهستهایمان ما را یاری کنید:
- ۱ - آزادی نوری و ودون میدوسرط ۲ س همکار زندانی ما.
 - ۲ - مماندره و ملی شدن شرکتیهای حفاری و سروس دهده و ادغام آنها در شرکت ملی حفاری.
 - ۳ - تسریع در مشخص شدن وضعیت و شرایط اسخدا می در شرکت ملی حفاری
 - ۴ - برداشت حق شواب کارکنان در شرکتیهای مربوط.

این حرفی روی کارگران ما نیرگدا نه و فهمیدند که این وضع با مصالح ما در صاف است. آنها لوله های عایی بندی شده را می دیدند و از برقی سبیلز و کش آلومینیومی آن بوحض دجا رستند و سوسیا هی لوله های با فیما شده که روزگمر و گمر میسند آنها را بیا دروزسیا ه خراجی و بیکار شدن مسی - بدان سب.

گروهی از کارکنان شرکتیهای حفاری و سروس دهده (هوادار اتحادیه گمونیستهای ایران)

صبح سنبه ۵۸/۱۰/۲۲ صل از شروع بکار، کارگران حرفیهای خود را در بیس بوس زده، و همگی فولاد دند گهاران پس دیگر کار "کنتراتی" بگیرند. و ساعت ۹ صبح "مهندس" جهت شرکتی به محوطه کارگاه میروند و متوجه میسود کارگران با اسلحه کم کاری از این فراردها در سربا زمیززند. اوسعی میگردید با ب کردن پیشداد، آنها را دوباره فریب دهنده که با عکس العمل شدید کارگران بیرو میشود. کارگران اینسار نه سبای بوی جوا ب ردمیده سب لکه و را سمدای سده و می کنند و وی را شهید سب کنگ رن می نمایند و بوی صریحا می گویند که محوطه کارگاه را حراج شود الا اورا از ایران ا حراج می کنند. کارگران از هر ب به و فحش و سرامیده، نا ایسکه ساری خواهان شدن صدای اعتراض کاران مهندس را نه در می خواهست.

ما مور ...
 کارگران موقتا از هم پاشید و این بار هم خرعلی یک مبارزه برحق را سب کرد و خوا باند. این بار هم خدمت دیگری به وابستگان به امپریالیسم کرد. سیاست آقای خرعلی در تمام خورسان همان است که در "گروه ملی صنعتی فولاد ایران" بوده، ولی کارگران بوزه این مردم فریمان و حقایق سرما به داران و وابسته را سفاک میمانند.

جلوی دفتر متورکه بود، هر کسی سعی میکرد که مهندس را بگیرد و رده و کنگک بند. کارگری با میله آهنی به در ورودی کاروان (دفتر) حمله میبرد که بگر کارگران اورا رایسکا بر حذر میدارند. کارگران مهندس را در میان سنده و با هوگردش سعی می کنند و اورا در سرب کارگران دیگری که صد کنگک سش را داشتند بدخل دفتر هل دهند.

ررم کارگران ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع باید از عدهای ارکارگران هوادار اتحادیه کمونیستهای ایران - اسوار

سالاخره ما پیدا شدن سروکله "آما بیژن" سو بروا برسر شرکت و بعقول کاران "همه کاره" و "پادان" مهندس و سار از تمایل اینان نسبت به خواهستهای کارگران، آنها را پس از مدتی وراجی و به اصطلاح بصیحت متفا عا سار د که حق ما کارگران است و اینکه "بند" سعی می کنند که "پادان" ما هانه ۲، ما عا ما هم کاری را "ارنی" سرایان بگیریم، و کارگران محتسار سبند که بطور معمول کارکنند و را انجام کارهای "کنتراتی" می تواننند خودری سما سب و مطابق کارگران بطور ۸ ساعت کار روزانه اسجا مدهند.

در نگین و پخش حقیقت ما را یاری دهید

کارگران موقتا به سرکار خود رستند و پس از نیم ساعت حضور در محوطه رگا به برای گرمی ۳۰ ساعت عا ما هم کاری خود هنگی بدینتر فرسند. در مسرطی بدینتر که همگی سوار میسب بوس بودند با شعارهای "مرگ برارنی"، "ارنی" دام سب کردد ... بدینتر سه و هر که ما بین ۵۴۰ - ۳۴۰ تومان کنسرات در دریا مت کرده و همراه کارگران بطور یخا نه فتنند.

مرحله حساس جنبش کردستان

در شرایطی که کردستان عرصه در شرایط تنگ بصلح برمیگردد، در شرایطی که ارزش بیرونی خود را در مناطق مختلف کردستان غلبه میخورد، لغت‌های خلق میهمان کرد میفویسند. می نماید، در شرایطی که کوسس های "هیئت ویژه" جهت مذاق امکانی بحث اعلی رسیده، حزب دمکرات کردستان ایران، بدون اطلاع "هیئت نمایندگی خلق کرد" با ورود یک سون ارتشی بداخل شهر مهاباد موافقت می نماید. توضیح اسکدای سون بهمراه خود معداری ریادی سا رویرک نظامی بهمراه دانه که به همین خاطر ورود آنها به مابین توسط پیغمبر که های سا رمان های انقلابی جلوگیری میسود. این سون بجای اینکه از "هیئت نمایندگی خلق کرد" اجازه ورود بپذیرد، با سید دارای موافقت نامه "سورای نظامی" حزب دمکرات کردستان بوده. موقعی که از ورود این سون بپذیرد جلوگیری میسود، افراد رهبری این حزب می - جو اند هر چه رود سرسره نصیبه را بهم نیاورد، اما بلافاصله مردم بیقراران حریان با خنرمیسود و بداجا میسایند و با برپا کردن نظامی با ورود نیروهای ارسنی بداخل شهر مهاباد می نمایند، رهبری حزب دمکرات در مهاباد توسط خود را در مقابل سیل خروشان اعتراضات بوده مردم، سا رمانهای انقلابی وحی اکثریتشمر - که های مبارز حزب دمکرات می بینند مجبور به پس گرفتن موضع موافقت - با خود میسوند و در این شرایط نیروهای ارسنی مجبور به عقب گردیدن سوی ارومیه میسوند، در حالیکه نیرو - های ارسنی سا رمی گسند حزب دم - کرات اقدام به غارت اموال ایسین نیروها می نمایند که در حریان اینکار مقدار ارسلاح و مخمات بپذیرد سبب مردم می آمد.

بعصده ما در جنبش شرایطی که ایران فرار داد و در ورود نیروهای ارسنی آنچه عکس هایی از آیت الله شریعتمداری میسوانست بپروحا مت اوضاع کردستان و در نتیجه مجموع ایران بیا فراید، ما معتقدیم که در این مرحله حساس مرا گرسنه و آشوب را بنا بدتنها در میان نیروهای مرجع و وابسته های که بحاطر مسامح اسریا لیسیم بمخالفت با هیئت حاکمه

میردا رند حسو کرد، در میان صفوف ارسن، زاندا رمی و سپه بان که هسور صفیه انقلابی سده اسد و همجنسین در صفوف سپاهیان، کمیسسند رهبرانی که بمحض دریافت دستور ار اربان آمریکا ثی خوین دست به سده انگیزی و آشوب طلبی رسند، و در سا ران را ویده آشوب طلبی و صدسه انگیزی اس که ما جلوگیری از ورود این نیروهای ارسن را صیحیح اریایی می کنیم. اما حزب دمکرات کردستان نه تحلیل درست از اوضاع کشور و شرایط آن بس نمی بردا ردوبا این عمل انقلابی سوده های مردم و سا رمان های انقلابی کردستان سده مخالفت می بردا رد، ما وظیفه خود می - دانیم بطریبات خود را در مورد اعلامیه "دستور سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران" که در روز ۱۸ دیماه هجری تک روز بعد از حوادث روز ۱۷ دیماه، صادر کردند، اعلام داریم.

در این اعلامیه "دستور سیاسی" حزب دمکرات کردستان ایران چنین میخوایم: "با رها واحدهای ارسن با اطلاع موافقت پیش مرگان حزب دمکرات کردستان به مهاباد و اردو با ارایین شهر خارج سده اند." در ایین مورد با ید کوشیم که هر با رکه واحدهای ارسن وارد سهر سده اسد با اطلاع "هیئت نمایندگی خلق کرد" رهبری سیح عرالدین حسنی بوده اس، با ایسا این اقدامات بلا سبب بدون اطلاع و با مخالفت "پیغمبران حزب دمکرات کردستان" صورت گرفته اس. بهرین سده اسه ساره سسین آسهاست، در همین روز ۱۷ دیماه هزاران نفر از مردم سا ر شهر مهاباد نا هد بودید که به سنها "پس مرگان حزب دمکرات" موافق ورود نیروهای ارسنی بدون اجازه "هیئت نمایندگی خلق کرد" سسود، بلکه با این کار سمر مخالفت بودید. حتی در جنبین مورد در ایین روز مسئولین حزب ارجا - تب پیشمرگان حزب با اسلحه مسورد سهدند و فرامیگیرند، در اوانل دیماه سیر در حالیکه ۱۱ کامیون ارسنی که از راه سسند و آب قصد ورود بپشورا دا سسند سسود میسوند، در ایین زمان نیز به سنها سا رمانهای انقلابی و سوده مردم با ورود این نیروها بداخل شهر مخالفت نمودند، بلکه پیشمرگه - های مبارز حزب دمکرات بپربا ورود این نیروها بدون اجازه "هیئت نمایندگان خلق کرد" مخالفت نمودند. در حریان آن آزاد سسودن ۷۷ پاسدار مسلح، حزب دمکرات در سپهر سگان نیز با مخالفت شدید پیشمرگه های مبارز خوین فرار می گیرد. در نتیجه عنوان کردن اینکه "با رها واحدهای ارسن با اطلاع موافقت پیشمرگان حزب دمکرات کردستان به مهاباد وارد و با ارایین شهر خارج سده اند"، کا ملا با واقعیات مغایر اس. سسوده های وسیع مردم و پیشمرگان مبارز حزب دمکرات خود بهرین سده اسد سده اسند. در ادا مه همین اعلامیه "دستور سیاسی" حسین می خوایم، در روز ۱۷ دیماه) هم طبق معمول سوسی که سبمطور سوسی پسرسل را ندا ر سوری مهاباد عارم این سهر بوده اس سده سورای نظامی حزب اطلاع داده و کسب موافقت کرده اس. (با کیدار ما سبب نکه های که در سنی همه مردم بروی آن انکسب گذارده اسد سبب که بطور در شرایطی که "هیئت نمایندگی خلق کرد" سبب رهبری سیح عرالدین حسنی موجود اس، و در سا مرمیبه ها خلق میهمان کرد را نمایندگی می - نماید، "سورای نظامی" حزب دم - کرات در سنها یب خود سوری سا ورود سسونهائی ارسن "موافقت" سسوده اس. در هسکا می که هیئت ۵ سسره نمایندگان نخص کسندگان سسهر سسندج مذاکرات خود را با دولت بخاطر حکیم موسعی "هیئت نمایندگی خلق کرد" محدود و مسروط می نمایند "بی - سوچی سورای نظامی" حزب دمکرات سبب سده "هیئت نمایندگی خلق کرد" چه سبب یی را سسواند سسهر اده اسه اسد؟ آیا این عمل رهبری اس حزب بمعنی کار سکی و بی مسئولیتی سبب سده هیئت نمایندگی خلق کسرد سسب؟ و چرا رهبری سیاسی این حزب در حین اسام جیبین بی مسئولیتی های بررک و کار سکی های خطرناک، سسور - های انقلابی دیگر را مسهمه "کار - سکی" سسکند؟ سسوه کسیده سفل سول دیگری ارایین اعلامیه، "به علل کار سکی ها و بی مسئولیتی هسای کومله وحدت صفوف هیئت نمایندگی خلق کرد در معرض خطر حندی فرار گرفته اس". آیا مردم آگا و میهمان مهاباد

با دوسر با سر کردستان و ایران ایس انها ما را با و رخوا سده کرد؟ آسا اس انشام "دستور سیاسی" بهرین سس کوا ه سسریک کا رآ سده ا ر رهبرانی سبب که میخوایند سسبا در ا جای سسند جا بر سند؟ همه می سسده که مکر اینهمه سا رویرک نظامی برای حزب دمکرات آورده سده سده سسها "سورای نظامی" اس حزب آسهم بدون اطلاع "هیئت نمایندگی خلق کرد" سا ورود سسبان به سهر موافقت کرده بود؟ ما سسبا ره سس میسرسیم با ایین و دیگر کار سکی هائی که در کار "هیئت نمایندگی خلق کرد" ارجا تب رهبران اس حزب صورت می - گیرد دلایلی سبب سر غلبه حظ مشی حزب سسده بر رهبری این حزب؟ در ادا مابین اعلامیه "دستور سیاسی" مفاومت میهمان ما سده مردم سسهر مهاباد در مقابل ورود نیروهای که "موافقت" "سورای نظامی" حزب دمکرات را بهمراه داده اسه اس، سسقی میسود. حتی ارایین مفاومت مردم به عنوان حواد سنی یاد میسود که "موجب تأسف و تأرعمیب کلیه اسان های آگاه و مسئول" گردیده اس. حزب دمکرات با نظا هرات سرتا سسوری کردستان که به سسبب سیاسی ارجواست - های مردم سسندج و اعراض سبب به نقل و اسعاله های سسیده آس سراسر و اسسه، در روز ۱۶ دیماه صورت گرفته مخالف بوده هسب، مگر کمیته سرگزی حزب دمکرات در بار سس ۵۸/۹/۲ در هسکا م اعلام آس سس مؤکدا انسا ره سکرده که "ادا مآ سس سس سسوط به فرار خواندن یا سداران سسریومی ارسن کردستان اس". سسبب جرات نظا هرات سراسری روز ۱۶ دیماه و خوا سسهای مردم سا ر سسندج مخالفت می سسند؟ حرا با مفاومت مردم مهاباد در مقابل ورود نیروهای که در رهبرینسان و اسسگان امیر با لیسیم بپسند، مخالفت می سساید؟ آسجائی که مردم سا ر برای سسعل درآ مدن خوا سسهای بحسبان اسرار می و ر سسود در مقابل سا رسکا ریفا مفاومت میسایند، حزب دمکرات بنا جا ریاید این سا ر را "موجب تأسف و تأرعمیب" بخوا سسند! ما مطمئن هسیم که اسبجای اسسها آگا ه و مسئول هسجکا سسبب به مهاباد ررات خلق جیب اسسای سساشه و سسبه در صفحه ۱۲

ورهری حرب دمکرات مساند، ما این راه در حرف و جد در عمل می بینیم و به خاطر اهمیت فوق العاده آن بهمینه خلق منار و پیروان کرد و ما مخلق های ایران همدار می دهیم.

همدار می دهیم زیرا در خالی که اکثریت مطلق خلق کرد سح عزالدین حسینی و فقط سیح عزالدین را برهنه "هیئت نمایندگی خلق کرد" مقبول دارد، "دسترسای" حرب دمکرات علیا ادعا می کند که "ما با رها گفتمیم حرب دمکرات کردستان را رهبر ما - رراب خلق کرد در کردستان ایران مساندیم."

ما معتقدیم که اسکا رسنیا خاطر حده دارا حس و لظمه ردن به اعسار این شخصیت محسوب و این رهبر مسورد علاقه خلق ما می باشد. ما ار همه اسان - های آگاه و مسئول می برسیم که در سرباطی که سیاست های بقا و افکنانه "هیئت ویره" شنیدیم می نماند براس اندامات و ادعا ها که بها طرف معصومیت رهبری سیح عزالدین حسینی صورت میگیرد، چه می ناید کند ارد؟ حتی آقا یان "دسترسای" حوسحالی

خود را آنقدر تسلط داده اند که مردم را به مخالفت با رهبر محسوبان برای - خوانده و متوسا بنده هکنه: "ما ار مردم سرافتمند کردستان اسظا ر داریم که هم کومله و هم حساب (ارالقاب مسورد علاقه "دسترسای" - از ما ست) شیخ

عزالدین حسینی را در مقابل مسئولین نیان فرار دهند. مردم ترا تمسند کردستان "آقا یان" و "جان" های واقعی را خوب می شناسد. دو - رویان و مردم فریب ها را خوب می -

شناسد. دنیا له روان دنیا له روه های روسه را خوب می شناسد، "مردم سرافتمند کردستان" هم دستگیر آنقدر آگاه هی سیاسی سان رسد و ارفاء بافته است که کول اس عوام فریبی های سارا بحورید، در این مورد سیرا سکارا خط همان خط است. حرب بوده عیب تصد ار دسح عزالدین حسینی را مقیم به جیره های بکنده منجر به - تصعیت رهبری او بسود. ما رهم ۱۰ رور قبل ار "دسترسای" در بشیره مردم جیبی خواندیم که "لکن با آسست نزاوان دیده میسود که ار جوان سست مختلف سرحی گروه ها و عناصر - شخصیت ها هنوز هم به اخلال در حل مسالمت آمس رساله کردستان ادا می - دهند" (با کیدار ما ست، مردم ۱۲۹ - ۸ دیماه ۵۸) آیا منظور حرب بوده ار "نخست ها" نخمی بجز شیخ عزالدین و عیح جلال منیا شده که موضع و عیحانه و علمی حرب بوده در مورد سح جلال

را همه میداند. اینها سیربع - علاوه سابعات دروعینی که هر روره علیه سیح عزالدین حسینی پراکنده مسود سان دهنده است که سوظنه ای در کا راستا با تصعیت موعیت سیح عزالدین - حسینی موعیت "هیئت نمایندگی خلق کرد" را تصعیت نما سد و با لاجره آسرا سلاسی سارند.

چنانچه سکا هی سه مواج حرب بوده در مورد کردستان عرب، جورسان، آذربایجان، سرکمن صحرا و سدر اسرلی بیافکنیم ما هب صدا سلاسی اس حرب نورا افشا میسود. حرب بوده محکوم مسودن نما جنسپهای مردمی سراسر ایران را سظور عا موحسین خلق کرد را سظور عا م در دستور کا رجوی س ترا داده است. سار راب مردم در سسج در آرخس روزهای سال گذشته، مبار راب مردم میروان، سا وه و مقا و مت سراسری خلق پیروان کرد را همگی این حرب محکوم مسوده و بر آن نام صدا سلاب سچا داده است. حرب بوده سسها حسر - های بوده ای خلق ما را نا عسا و بی سوظنه و اخلالگری محکوم مسوده، بلکه سارمانهای ساسی و اسلابی کردستان و همجنس سیح عزالدین حسینی و دیگر شخصیتها را و سحا نه محکوم مسوده و می -

سما بد. جمعیت های کردستان کسدر سرحط تسل اریورخ با ساران وار س فعالین منسودند، اسحا دینه های دهقانی و سارمانهای سیاسی و اسلابی بی کردستان همه محکوم و همه بنظر این واسنگان روسیه صدا سلاب می -

سما یسد. سعب هم سیا نددا شه ساد، ریرا اسلاب ار جنم صدا سلاب، خود صد اسقلاب می سماند. حرب بوده سرحلات حواس سما مخلق کرد طرح خود کردانی "هیئت ویره" را متسب ار ربا بی مسوده و معتقد است که این طرح کدانی "میسا ساسی برای مذاکرات سه مسظور حل سیاسی و مسالمت آمس رساله کردستان ساد". (مردم سماره ۱۲۹ - ۸ دیماه ۵۸) و به همین خاطر است که حرب بوده هر روزه می کوسدا "هیئت سما سذگی خلق کرد" را که طرح "خود - گردانی" را نا طعا به رد کرده است،

محل سما یسد. سی دلیل سست که سه شیخ عزالدین حسینی اسقام "احلال در حل مسالمت آمس رساله کردستان" میرسد و به کومله و جریکهای نداشتی سح کرده سان که در اس هیئت سما - سذگی سربک دار بند لجن پراکسی می - کسند. اما مساسا نه "دسترسای" حرب دمکرات بجای دفاع ار "هیئت سما - سذگی خلق کرد" برای اولین سار رسما و علیا اسها می را مسوحد سسح

عزالدین حسینی و سارمان های اسلابی موجود در کردستان میسما یسد. جرا اکون که پیش ار هر موضع سذگری - با بسی صفوف "هیئت نمایندگی خلق کرد" مسرده گردد، جرا اکون گسه "هیئت ویره" هیئت حاکمه سان داده که علیر عم سلسعات دروعین اس مامل سهل مساله کردستان ار طریق مسالمت آمس میرسی با ساد، جرا اکون که

رن و مرمد، پیرو خوان کردستان و سراسر ایران منوجه سوظنه های بقا و افکنانه "هیئت ویره" سدا د، "دسترسای" حرب دمکرات علیه سیح عزالدین و نما سارمانهای اسلابی مسو وجود در کردستان خط و سسان می کسد؟ جرا رهبری حرب دمکرات روزا س اقدام به سابع ساری علیه سما سارمان های اسلابی منجمله "سکیلات سسمرکه - های رخمکسان" می ساید؟ جرا سسب به سیح عزالدین حسینی بی - اجرامی سده و سارمانهای اسلابی مقیم به اخلالگری و آسوب طلبی می - سوند؟ مکر این اسها مات عینا همان اسها ماسی سست که جسند ما ه است حزب حاش بوده سدوع سارمان ها و شخصیتهای اسلابی کردستان سست میسده د؟

جری کروس است سعبیرانی است که دسترسای "دسترسای" و احتمالاً رهبری حرب دمکرات ایجاد کردیده است. اسنگا سرب این سعبیر سیاست را میسوان در دنیا لسره روی کور کورا نه "دسترسای" ار مسی سلیم طلبیا ه و حاشا نه حرب بوده، و در سلیقات کما ملا جسد و سنا و افکنانه را دیولویوریون که بعدا رسد و ار علامه ۱۸ دیماه ۵۸ "دسترسای" آسار

کرده سده، مسوان دید. بدین خاطر است که ما اوماع کردستان را کما ملا حسا سار ربا بی میسما سیم. ما "سکیلات سسمرکه های رخمکسان" در خاسه در جیبی و سعینی حسا سار خلق پیروان و مبار ر کسرد دعوت مسما سیم ما سبار سوا ماده سار ار کسده گرد و سکا ر دنا صفوف سحد خلق کرد بجا طر عا م فریبی ها وسو -

طنه های سهره سانداران حرب بوده ار هم پراکنده سود. با ید محم سار رکد سده ار هیئت نمایندگی خلق کرد سح رهبری سح عزالدین حسینی سسبنا - سی سما شم وار دسا ورده های حسس اسلابی خلق کرد که سسب سسور سچدای سساری بدست آمده ار جسان و دل دفاع سما شیم. سسک کلام ما ساید ادا نه سسنگان سی سربل راه ملا - آواره ها، سرب راه ها و سعینی ها با سیم.

خلق عرب همچنان میرزمد

گزارشی از اهواز

بدینال رسدوا وچ کیری ما -
 رراب حلقهای دلیرا بران برغلسه
 امیریا لسمویوزه امیریا لسم
 خونخوا را میکا ، خلق رشیدعرب سیر
 بما سدهمسه همدوس نا آسها درایس
 مپا رره سرک حس وباردنگر سرب
 حویس را ارهگوسه سم ووا سسکی به
 امیریا لسم نشان داد . دربی اس
 مپا رراب سروهائی که منافع خود را
 در خطر میندودن رها محافضت خود
 را با هرگوسه آرادای و دمگراسی بکرات
 با اعمال فلندرسا به حویس انبساط
 نموده بودند ، سکا رنشنسند و با حلقه
 های مکرر به صفوف مبارزین خلق
 عرب در جرسپهره سقیب و دستگیری
 عده ای را آسها سردا حسد ، لیسسه به
 این حال واهی که مینوا نند مپا رره
 به حق خلقی را محدودسار و دنوا آسرا
 ارتوا ن سیدارسد . عافل ارا یسکه
 خلق رشیدعرب اینبار مصمم و فاطس
 در صدرسیدن به حقوق جقه خوس درینا ه
 آرادای و استقلال سار خلقها به پسن
 سرود . بهر حال هم اکون سناری ار
 سازین خلق عرب حرمنشرد سسکیر
 و درسدانده .

آمریکا و سرسپردگان داخلی آن بر سر
 سده بود در ساعت ۲ بعد از ظهر از مقابل
 اسنادیوم حتی شروع کردند ، سس بس
 اردور دن در لسکرتا با دارحیسان
 انقلاب به فلککسا عب و فلککراه آهس
 رفت و بعد از طی حیسان انفلات سه
 محل شروع حودرسید و در آنجا با حواندن
 قطعا مه نظا هراب یانان گرفت . در
 طول نظا هراب حدین هراب علامسه
 و سراکت الاحرار سن سرک کسدگان
 در نظا هراب و مردمی که در اطراف
 را هسمائی بودند شروع سدورحائی
 ارتظا هراب سیریرجم آمریکا بعوان
 ساسا ترا رسنردرسان فریادهای
 مرک برا میریا لسم آمریکا به آسین
 کشیده سد .
 سرحی ار سارهای نظا هراب در سس
 آورده میشود :

فارسی :
 ارجاع سوحالی ، گردسان گواهی
 آمریکای سوحالی ، دشمن خودمخساری
 گردسان - عربسان سنکر رحمت -
 کسان علیه امیریا لسم .
 خودمخساری - خودمختاری خواسته
 گردوعرب .
 سنازش سسلیم ، سسردبا آمریکا
 عربی :
 اسمع اسمع یا لرجعی حکم الداسی -

سرطه حساس ...
 حلقهای سمدیده و رجمگشان ،
 دوسان و دشمنان خود را در میدان
 عمل انقلاب و مبارزه ساطر آرادای و
 استقلال و سناح طبسان انان آسرا -
 ساین میکسد . ما حوا هم کوسدنا هم -
 گام و همدوس ساسا سیریروهای انقلابی
 سسرو سسداد مپا رراب مپسرا سنا سناح
 ایران علیه امیریا لسم و ارجاع
 سسرو سسداد مپسار رراب مپسرا سنا سناح
 در راه کس خودمخساری
 ساسودنا سسردا سسداران و دشمنان خلق کرد
 "سکیلات سسردکهای رجمگشان"

العربی .
 فلسطين - فلسطين حلقها ، اسرائیل
 اسرائیل عدوسا .
 اسمع اسمع با فاسی
 حکم الداسی ، حکم الداسی
 رادب سسار العربی
 اعداء حکم الداسی
 عوامل الامیریا لیه
 بلدم پلنار - سحیک عربسان
 مسوره ، سوره آسعبه
 موسی موسی سارجعیه
 کردوعرب احسوان
 موسی سارجعیه

العربی .
 هذا الموت للعبدی ، قابل سعیا - بلدم پلنار - سحیک عربسان
 تظنا سدر اعینما شی خلق عرب

ما سوده های خلق عرب سرک کسدده در اهلیما شی روره سنه ۵۸/۱۰/۲۲
 که برای همدائی ساسورمدا میریا لسمی خلقهای دلورا ایران و سارزه سان
 سر علیه آمریکا حویسار بریا نده بود معقد سسرها که مپا رره صدا میریا لسمی
 وجود دارد درهما سنا سیر مپا رره سارجاع و هسوع سارنگاری و سسوددارد
 ریرا که مپا رره سنا میریا لسم جدا ار سنا رزه سارجاع و سارنگاری سست . سنا
 کدنا لپا ریریا رسنم امیریا لسم سارجاع ها سراطس سسید و ده ایم سسیدین
 و سلسله اعلام سسداریم که سنا رهائی کامل ار سیرسوع امیریا لسم آمریکا ورسدن
 به خواسته های دمگراسنکسان و درراس آسها حوسیس سروس حود بدست حود
 مان در سنا سساصت ابراسی سسل ، آراد و دمگراسی ، اربای سسوا هم سسست
 و سیرا اعلام میدا رسکه :

- ۱ - حرکت صدا میریا لسمی کسونی سوده مردم را که سورساره مپا رره صدا مپسرت
 بالیسی خلقهای کسرا ایران در رهائی کامل ار سیریا رسنم امیریا لسم
 آمریکا و دیگر امیریا لسمها دارد ، حرگی اصل و انقلابی میدا سم و معتقدیم
 کدیدا و مودا مپاس حرکت و میدن درایس کوره مپا رزه وطنه سنا می سسروهای
 انقلابی است .
- ۲ - ما حواهان قطع کامل کلیه وابستگی های نظامی ، اصنمادی ، سیاسی و
 فرهنگی سنا امیریا لسم چها سنا و آمریکا و دیگر امیریا لسمها می سنا تیم و سنا
 رسیدن ساین حواسد دره ای اربای سسوا هم سسست .
- ۳ - ما حواهان مپا رره کلیه سسرمابه ها و اموال سسرمابه داران آمریکا شی و عالم
 ملیس و کارگران ارباسی اومی سنا سسروها و گداری آسها به رجمگشان
 ارباسی سسیم .
- ۴ - ما حوا سنا سسرداد ، محاکمه و اعدام سنا هخاش و کلیه وابستگان جنا بکثار
 اومی سنا سیم .
- ۵ - ما حوا سنا سسار ، محاکمه و مجازات سسرمابه داران وابسه ، فئودالهای
 مرجع ، حاسوان و سسوران احسبی و آمریکا شی در ایران مپیا سیم .
- ۶ - ما طرح "حودگردائی" را سنا طنه ای علیه خلقهای کردوعرب و ... میدا سیم و
 معتقدیم که خلقهای دلورا ایران خودمختاری واقعی را به سسروی برتوان خود
 بدست حوا هند آورد .
- ۷ - ما سسشیبا شی خود را ار سنا رراب کلیه خلقهای تحت سسنا بران بخصوس
 برجمداران این سنا رزه سسعی خلق کرد و رهبر سسنا سسین آن سسح عزالیدی سس
 حسینی اعلام میدا ریم .
- ۸ - ما هرگوسه حلقه و سرگوب را علیه خلق عرب محکوم میکسیم و حواسا آرادای
 رسدسان سیاسی خلق عرب مپیا سیم .
- ۹ - ما ار کلیه حرکتهای سسرمابه و انقلابی سسروهای سسای خلق عرب
 سسشیبا شی سسنا سیم و حرکات مرجعانه و سسریه طلبانه را محکوم سسکنم .
- ۱۰ - ما حرکت مپا رره حوق طنانه سسدیلمه های سسکا رسجد سلیمان که سسوط
 ارجاع به خاک و حون کشیده سسبشسنا سس مینما سیم ، سسروبی آسها را محکوم
 سسوده و سسوار سسروزی آنان مپیا سیم .
- ۱۱ - ما ار سنا رزات کارگران ، دهقانان و دیگر رجمگشان سسرمابه سسسان
 دفاع سسنا سیم و بخصوس ار مپا رزات کارگران سسارویلسر - سسهران سسبوس -
 مپا سسوردها حوا سسنا سسیم و حواسا آزادی کلیه کارگران رسداسی سسنا سیم .

اسامی ساواک‌په‌ای گرگان

اسامی حلقه‌های مهران ایران

اسکندریه و غیره در حقیقت در این مملکت است که اسامی ساواک‌په‌ای
دریم‌گدسه را اسامی کبیده و دولت‌مندان انقلابی پس از ۱۵ ماه از اسیران
رده است و کماکان اس‌جاسان که در رژیم گذشته از کسب و کار و
وسرکوب ساواک‌په‌ای حق طلبانه در حقیقت درج نگردیده است. راست است در
اداره‌های و حساب‌ها آراء عدم سرسود در مقابل چسبان و پنداری
که سرسراسان برادران اس‌جاسان اعلام‌آوردند داده اند معمولی طوطی‌هنگام
که از هر طریقی اس‌جاسان را در دستگاه‌های اس‌جاسان نموده و اس‌جاسان
رجحان اس‌جاسان و اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان
آسین سالارده و اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان
بگردند اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان
اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان
خودرو اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان
خون سپیدان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان
آراء اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان اس‌جاسان

| اسامی | اسامی | اسامی | اسامی |
|------------------------|-----------------------------|-----------------------------|-----------------------------|
| ۱- علی هاشمی | ۳۳- حبیب‌الدین | ۳۴- رحمان علی محمدیان | ۳۵- مسلم بن قیس |
| ۲- احمد درگاه‌هی | ۳۶- عبدالحلیم مصر | ۳۷- اسما عیسی حاج‌عبیدی | ۳۸- سعید محمد سحر طبع |
| ۳- محمد علی یوسفان | ۳۹- محمد کیا سی | ۴۰- سید محمد سحر طبع | ۴۱- محمد رحیم اسرجی |
| ۴- محمد حسن چکس | ۴۲- سید محمد علی حاج‌عبیدی | ۴۳- هدایت نقی نژاد | ۴۴- ناصر داهی آذر |
| ۵- هوشنگ حسام‌راده | ۴۵- سیزن رحمن پور | ۴۵- اسداله باقری | ۴۶- فریدون کبیری |
| ۶- محمد علی اورجی | ۴۶- فریدون کبیری | ۴۷- حسین علی چکا تو | ۴۷- حسین علی چکا تو |
| ۷- سهرسبیعی | ۴۸- جلیل کلاسنکیا نی | ۴۸- جلیل کلاسنکیا نی | ۴۹- محمد نفیسی |
| ۸- صادق نیکزاد | ۴۹- محمد نفیسی | ۵۰- اسداله باقری | ۵۰- اسداله باقری |
| ۹- کاظم ظلیعی | ۵۰- اسداله باقری | ۵۱- حمید حقی شاس | ۵۱- حمید حقی شاس |
| ۱۰- عزیزاله عادل | ۵۱- حمید حقی شاس | ۵۲- غلامحسین سپهر استرآبادی | ۵۲- غلامحسین سپهر استرآبادی |
| ۱۱- علی اصغر علی پور | ۵۲- غلامحسین سپهر استرآبادی | ۵۳- محمود حاج‌مدراده | ۵۳- محمود حاج‌مدراده |
| ۱۲- محمد علی حیدری | ۵۳- محمود حاج‌مدراده | ۵۴- غلام‌کبیر نجفی | ۵۴- غلام‌کبیر نجفی |
| ۱۳- شیخ حسن راهدی | ۵۴- غلام‌کبیر نجفی | ۵۵- کاظم طبیبی طبری | ۵۵- کاظم طبیبی طبری |
| ۱۴- شیخ حسن مهدوی | ۵۵- کاظم طبیبی طبری | ۵۶- عباس سعیدی ملک محمدی | ۵۶- عباس سعیدی ملک محمدی |
| ۱۵- اسکندر ساجی کاوه | ۵۶- عباس سعیدی ملک محمدی | ۵۷- بیژن متهاجمی | ۵۷- بیژن متهاجمی |
| ۱۶- عیسی بررگر | ۵۷- بیژن متهاجمی | ۵۸- محمد علی خالقی | ۵۸- محمد علی خالقی |
| ۱۷- فرنان علی معبری | ۵۸- محمد علی خالقی | ۵۹- شیخ حسن با بائی | ۵۹- شیخ حسن با بائی |
| ۱۸- امیرخان بناهی | ۵۹- شیخ حسن با بائی | ۶۰- عبدالمکریم رحیمی | ۶۰- عبدالمکریم رحیمی |
| ۱۹- قاسم کمالی | ۶۰- عبدالمکریم رحیمی | ۶۱- محمد رضا عسگری | ۶۱- محمد رضا عسگری |
| ۲۰- یعقوب صالحی | ۶۱- محمد رضا عسگری | ۶۲- سید محمد دیا ب سپهری | ۶۲- سید محمد دیا ب سپهری |
| ۲۱- بهمن میرزا دارا‌ئی | ۶۲- سید محمد دیا ب سپهری | ۶۳- حسن خاکی‌پور | ۶۳- حسن خاکی‌پور |
| ۲۲- بیان مدنی | ۶۳- حسن خاکی‌پور | ۶۴- محمد اسما عیسی سلامت | ۶۴- محمد اسما عیسی سلامت |
| ۲۳- نور محمد صفا‌ئی | ۶۴- محمد اسما عیسی سلامت | | |
| ۲۴- عبدالمرحیم وزیر | | | |
| ۲۵- نعمت‌الهدی نعمی | | | |
| ۲۶- عبدالمعلی لسانی | | | |
| ۲۷- عبدالمعلی رامون | | | |
| ۲۸- عباس علی کردی | | | |
| ۲۹- حیدر نقوی | | | |
| ۳۰- سید محمود حسینی | | | |
| ۳۱- نادر دودی نوشین | | | |
| ۳۲- بهروز شاکا‌ئی | | | |

گرامی ما...
که اسما ساواک‌په‌ای در کیمیا ره طبعاً بی‌سند
وما را به جاشی بخواد هدر ما بدو پیشتر
سرای بهارش گنا ندن ما وسایند -
گان کا ره ما وسرمایه داریم -
می خورد، پس بگویم تا مشکلات
مستقل و براسری کا رگریمسان را
بیوحدت آوریم. لازم به یادآوری است
که اسما ساواک‌په‌ای اس‌جاسان اس‌جاسان
کا رگری و اس‌جاسان اس‌جاسان
احا ره دهیم که علقه‌های هر جنس کا ر-
گری یعنی عوامل حرب‌جاشی بوده و
سارمان اس‌جاسان اس‌جاسان
مشکلات با اس‌جاسان اس‌جاسان
عنا صرا اس‌جاسان اس‌جاسان
منشیا ما ما ک جپ در جنس کا رگری
ظا هر میخوند ولی در واقع خدمت -
گزاران سرمایه‌داران و اس‌جاسان
اس‌جاسان اس‌جاسان
سوم - پیوند جنس کا رگری با جنس
مردم: آراء نجاتی که ما در مرحله
انقلاب دموکراسی و اس‌جاسان
هسیم، آراء نجاتی که اس‌جاسان
با وحدت کلیه نیروهای حلقی و اس‌جاسان
رهبری طبعه کا رگریه سروری میرسد،
بنا بر اس‌جاسان اس‌جاسان
و اس‌جاسان اس‌جاسان
دی خود محدود شود. جنس کا رگری ما
با اس‌جاسان اس‌جاسان
انقلابی دهقانان، رستمگنان سپهری
دا اس‌جاسان اس‌جاسان
آراء دیخواه و حق‌بغی اس‌جاسان
برای خلق‌های محب‌ستم ایران حمایت
کرده و با اس‌جاسان اس‌جاسان
که اس‌جاسان اس‌جاسان
اس‌جاسان اس‌جاسان
کا رگری و اس‌جاسان اس‌جاسان
سراسر اس‌جاسان اس‌جاسان
هر سال خا طره این روز
و این روزها را جمع اس‌جاسان
نجا رسان در خدمت ارتقاء جنبش
کا رگری، گرامی بداریم!
در سدی‌کاهای واقعی کا رگری متحد
و مشکل سویم!
نیش بسوی ایجا د حزب طبعه کا رگری!
بر اس‌جاسان اس‌جاسان
کا رگری با جنس دموکراسی نیک مردم!
با اس‌جاسان اس‌جاسان
و اس‌جاسان اس‌جاسان
گروهی ارکا رگران صنعت نفت -
هواداراتا ده کمونسسهای ایران
اوار - ۱۳۵۸/۱۰/۴ *

حقیقت

لیست ۸ هزار ...

سود که حال دیگران را سودمندتر کند آنها را سودمند می‌کند و جنبایب، آنچه دردی و وطنی تروسی و خلاصه برونده سیاه و جویبی دربار مسئولی و دسیار آن بیگانه و بومی در احیای مردم و در معترضی معارض خلق فراگیرند، و راستی اکثر بقدر رسیدگان بس از میان متحدین را دانستند که همای خلق، افلا جون کدنه لیک لیکن و غرولندنگان راه را از ادا نه دهند بنا بست دست نه این اساکریها مردند، اما معترض می درورد دیگر خود در معترض در ترارگر نه بودند. اینان اگر می - خواستند چون آنچه می‌دید خلگی حیانت نکند، میبایست خدا تسلل انسانی آدمکاسی را که طی اسس سی و پنج سال سپاه غافل آنچه جنبایب و جویری بود، اما اسفاه کند، اما هرگز نگردد، اردست بریدن های ساواکیان حرف زدند، ارکنجه های ساویان سخن گفتند، ارفس و و بیرحمی مردوران ساواک در میله کردن فرزندان دلاور خلقی حرف زدند، اما همیشه آنجا که مصلحت سعیش کنند و سود خلقی برونده این جاسیان آدمکش را خواست، حرفان مبارزه خلقی و ضد خلقی را به دعوی بینی خود می نمودی از کما سکان بیگانه محدود کردند و دستکاهی راست سرحد فرحسقی نمودند.

اعلام اسامی و مشخصات کار - کاراران جاسیگاساواک بگیا از اولین جواسه های مردم ستمزده ما بود، اما علیرغم همه ضار و ابزای که از این سو میزد، بقدرت رسیدگان در حفظ و حراست این "سازمان ساواکی" این مردوران هروروی بیسرمیکو - سیدند. اینان - علیرغم دردمندان دانس برونده کمال آدمکسان ساواک - هرگز حاضرند به ایس خواست سرحی مردم ما بوجه کرده و از این "زارسیدمیر" که مرورد سکر همچون اسرار خودسان از آن پاس - داری منکرند، برده بردارند، و ایضاست که دیگر هر ایرانی ماری هراسانی ای که طی این سالیان در ارتضوعی مورد سحا و روسم دستگاه چینی سازمان امنیت ترارگر نه و طی تکمال مبارزه بوده کسرحلگی

هروروی هرور و همراها موج عظیم سوده فریاد "مرگ برساواکی" سرداده، اسس سؤال بیس میا بدنگه راستی چرا؟ چرا اسامی و برونده های ساواک اسفاه نمی بود؟ چرا "دولت انقلاب اسلامی" حفظ و حراست جان و مال و "آب سرو" آدمکسان ساواک سا هی را وظیفه خود قرار داده؟ و بست بندس این سؤال مطرح مسوودگه آیا بقدرت رسیدگان میویدین انقلاب خلق، برای حکم با به های خود و حراست از منافع سری و صداقتی حوس نیست که به حوس اضرا و حوس دستگاهی نیار دارند؟ وبلا ما مضمه سؤالی دیگر را مطرح می - کند که: آیا اردولسی که است - انظامها، بیسی ها، پردی ها، چمران ها، مدسی ها، نظ راه ها، ... بدوین کننده و مجری ساست های بی با شد، افلا بیس ترا این با بیست انتظار دارند؟

لیستی که بخواسته عرسرد در دست جواهی دانست، لیست حدود ۸۰۰۰ نفر از مردوران ساواک است که در جریان سحر یکی از این "خاسوس - خانه ها" دست ما آمده است. این لیست، لیست کامل همه مردوران ساواک محمدرعنا سا هی نیست و بخشی از آن را در برهه دیگرید. ما اس لیست را سخن می کنیم و می خواهم که اسامی و مشخصات دیگر جاسوسان ساواکی سیر هر چه رود سرحی کرده، و ایس را کامی می دانیم در راه ندا و انقلاب و مبارزه ساحتی طرح دستا ورده های آن ما اطلاع دقیقی داریم که ساواک در آجرس روزهای سقوط رژیم سا هی طی بیخاستهای محرمانه و دروسی از همه اعمایس خواسته که خود را در دیون سازمان ها و بنیادهای اجساعی ای که در اس دوران موجود میاید جا دهند، و در راه اجرای همین دستور است که هزارها ساواکی کارت کمیسه در سافت می کنند.

روس است که امیرا لیست آمریکا و سوکران داخلی این، این ماره ای رحم خورده، هر سوطتستهای سحا همدرد کوورا بحسد، رطری همن دست نرودگانان جواهد سود. برای آمریکا این عبر ممکن است که امروزی سواد در ایران به سوکرایی و سازماندهی جدیدی مقدمه سردارند. دهها هزار ساواکی، سحی ارمالغ آمریکا در ایران برای هر کوسه سو - طنه چینی و برهانه انداحس هر حرکت صداقتی اند، بس با اس هم روس است که آنها شی که اریکوسه حفظ اسرار ساواک و جاسوسان آمریکا در اسس و دستکاهی دولتی سپردارند

و ارتوی دیگر سبب مبارزه ندا برسیا - حرب بوده آن سوی حظ اند و به آنها لیستی منکرند سافت و ساد دروغ می - کوسند. و رس دهندگان "سهریاری" ها هستند و با نداین مردوران را شناختن و در همین لیست ارجمله نام "رسان" اسامیان ساحت دید که چه کسانی اند بسا ورکمنه مرکزی حرب بوده در اروا بسا مخلق علیه خلق سوطنه میخسند. بر میخوریم.

۱ - در محظ کارور سکتی خود نکوسیدا کرکسانی از اسس مردوران هستند بسا سند و آتیا را سمدم بسا - که با حنیب و سراسر اساسی کسی ساسید، اینان سایدیس ارجماران ب لارم دفعا مورد کنترل بوده های مردم ترارگیرند.

۲ - هر اطلاعاتی اروضع کار و سرحی سغان ها را حاصل است که علل فعالیبت حدیدی این مردوران سستب آورده بسا مشخصات و آدرس کامل به هر طریق که میواید به یکسگی از دره را سراسر اسس بی با سار ما بنیهای انقلابی ایران - کسو - بیست و غیر کموسست - سراسر - (در همین جا هندار مسدهیم که خاسوسان

کرامی باد ... اما حدی سغان میواید اسم را سار اسان تسلل ارضام و سستدار آن سکتبرسم:

اول - وحدت عمل انقلابی کارگران: در طول مبارزات انان برای سر - سگونی حکومت جیا را به بیملوی و همی سطور در ساراب بعدسان سجویی آ موحیم که سنها در سانه وحدت انقلابی خودمان سسوا سیم ارحو سمان دفاع کرده و برای کسب آنان مبارزه کنیم. بس سگوسمانا سوطنه های سغان - امکنه های گنه مروره بسنها ساحتلات عقصدی مانع اروحدت کارگران میگردند، بسندت مفا سله کرده و ایس سوطنه ها را حسی کنیم و مرا موش سگیم که کارگر مسلمان، کارگر کموسست، کارگر سحی، کارگر بهودی سگان اسسما میسود. آنچه ما را وحدت میدهد، آنچه معیار مبارزه سمرک ما سب همس بیگانگی سکل و محسوی اسسما را سب که سوسله سراما سسده داران ما مصلاح مسلمان بر ما روا سنده اند، سها عقفا داب سحی و ساد هب و یاسر اد و یارنگ بسوت ما.

دوم - سکتیلات مسفل کارگری: حراما در طی دوره ای طولانی، یعنی ۲۷ سال، سسوا سسیم آنجان که در سلسان هب مبارزه ای دانسه ساسما حدافل تک مبارزه سسکل و سیاسی سراسری دانسته بسیم؟ چرا ما کارگران با وجود آنکه در اس انقلاب بسس ار همه ار خود گذسسی، سندا کاری وس سیردا سسیم، سسوا سسیم آنجان که حقی مان اسس در اداره جامع و سعیش سروسنت سیاسی حامعه نسقی بعهده دانسه بسیم؟ حراما هسورکا تلا سادر سسسیم در مفا بل طرح های مدکا رگری (ما سسب سروی و سره، اجراج کار - گران، اسخلال سوراهای واقعی ...) و در مفا بل سارهای اصصا دتی و تورمانی اسسما سب علظ اصصا دی محدا ساسسیم و سارره سگیم؟ مهم - سربس دلیل آن ساسس سکتیلات مسفل کارگری است. سجره ۱۱ ماهه سغدار سسما میاید ما ساسن ددها ساد که راه علاج سوراهای همگان سسما - سسی و دولتی سسند. سوراهائی که مرر بس طغنا اسسما زگروا سسما - سسوده را محدود سسکند، سوراهائی که در آتیا سسما سسبران و روسا و سسما سسکان کار سسما بیان سرحسوردا سس و عملا آنها را رهبری می کنند. سوراهائی

حزب توده ...

این از عوارض ابورتونیم و رویز-یونیم است.

البته زاوول هم معلوم بود که کسی بیکار نیست، برای خوش کردن دل حزب توده، بیرو برنامه آنها نظریه هوسنا برای این حزب توده بنا کام ماسد.

حزب توده که خیلی خود را "انقلابی" جا میزند، رنگ و ماهیت اصلی خودویی محتوا بودن شعارهای ضدا میریالیستی رایج در روزنامه "مردم" اش را نشان داد. اگر واقعاً حزب توده در پی یک کاندیدای درست و حسابی و انقلابی بود، اگر واقعاً به آن چیزهایی که هر روز تبلیغ می کنند مانند "اتحاد همه نیروهای راستین انقلاب، منی اتحاد همه خلقهای سرزمین ایران، منی دفاع بی چون و چرا از منافع ملی میهن، منی مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا...." و غیره و ذلک اعتقاد داشت، با کاندید شدن مسعود رجوی نماینده سازمان مجاهدین خلق ایران، که از هر کاندیدای دیگری به صفا برتر شده از طرف حزب توده می خورد، از وی حمایت میکرد. ولی حزب توده ز رنگ تر و رنگ تر از آنست که دم به تبلیغ دهد. حزب توده سکوخت اختیار کرد، از هیچ کس دفاع نکند تا مسعود رجوی را با هزار کلک و بیپانه از گردونه خارج کردند، چون حزب توده در پی یافتن کسی است که برنده میشود، و مسعود رجوی این چنین دور نمای را پیشنها د نمیگردد.

ولی درست روز بعد از حذف مسعود رجوی از لیست کاندیداهای حزب توده بدون اشاره حتی مختصری به این اقدام ضد دموکراتیک، با زهم در زیر لولای "خط امام" خود را به قدر متدانی نزدیک میکند. البته حزب توده میخواهد دل همراه بدست آورد، و با زهم برای اولین بار در تاریخ، یک "حزب طبقه کارگر" از آن کاندیداهای واحد پستیانی نمیکنند، ولی چون میدانند که این کار آشکارا اطمینان و ابورتونیمستی به نظر خواهد رسید، پیشنها دئتلاف آنها را میدهد: "حزب توده ایران با ارزیابی دقیق احوالات انسان

سی و کارنامه گذشته سیاسی و برنامه آینده کاندیداهای ریاست جمهوری به آن سیخ رسیده است که از میان آنها، آقایان: دکتر حسن حبیبی، دکتر کاظم سامی، داریوش فروهر و دکتر محمد مکرری دارای چنین خصوصیات میانی هستند و... الخ" و "حزب توده ایران بر آنست که بعد از کاندید شدن پداهایی که تقریباً برابر با هم و خصوصیات سرگ و پیا سردیکی با هم دارند به سخن آراء اسخاب کسندگان محس میشود...." این نیز اولین بار است که "حزب طبقه کارگر" که بقول خود از "خصوصیات انسانی"؟! و "کارنامه گذشته" سیاسی" کاندیداهای به این نتیجه رسیده که همگی تقریباً یکی هستند، حزب توده لطفاً ممکن است این "ارزیابی دقیق" را به اطلاع همگی برساند تا ارزیابی کرده تا نزدیکی آنها را دریا بیم؟! بالاخره حزب توده پس از چرتکه انداختن و شمردن تعداد دروخت نیونی که از کاندیداهای مختلف پشتیبانی کرده اند، به آن نتیجه رسیده است که تعداد دروخت نیونی پشتیبان حبیبی بیشتر است پس: "پیشنها دروش (در اینجا دیگر روش ندهاند) که برای نشان دادن متحدترین بخشهای از خط امام خمینی همه با هم آقای حسن حبیبی، را که مورد تأکید محافل وسیعی از روحانیون ساارز هوادار خط امام نیز قرار گرفته اند، مورد ستیابی قرار دهیم." و این نیز اولین بار است که یک "حزب طبقه کارگر" بر مبنای پشتیبانی "تعداد وسیعی از روحانیون" تاکتیک خود را مشخص کرده است.

تعمای زیگ زا کهای حزب توده و تاکتیک های مسخره اش، برای نزدیک شدن به جناح های قدرتمند بوده است و پس! فقط یک نکته قابل در این میان وجود دارد. حسن حبیبی نماینده مورد پشتیبانی حزب توده همچنین نماینده "نهفت آزادی" نیز هست، فقط کافی است به لیست کسانی که در ستاد ایشان کار میکنند نظریه اندازید؛ صاغان، مدرجاسید حوادای، سی اسدی، مهندس توسلی که همگی از ایران قدیم مهندس بازرگان و از سران نهفت آزادی میباشند، و این امر نشان میدهد که آقای حسن حبیبی حداقل نماینده "نهفت آزادی" هستند (اگرچه جناح های دیگر نیز از ایشان پشتیبانی میکنند و در حقیقت کاندیدای مشترک جناح های مختلف می-

باشند). و معروف شده است که "خط امام" در مقابل خط کام به گام "نهفت آزادی" قرار دارد (و حزب توده هم مقالات بسیاری در این مورد رقم زده است). این نکته فقط یک چیز است - بت میکند و آن اینست که حزب توده با همه هیاهوهایش در مقابل "نهفت آزادی" و فحش های بسیاری که نثار این جریان سیاسی کرده است، در حال حاضر سیاستش منطبق با سیاست "نهفت آزادی" است، با این فرق که "نهفت آزادی" خط سازنکارانه

ولیبیرالی خود را در جهت منافع بورژوازی راست ایران به پیش میگذارد، و حزب توده همین سیاست را برای رسیدن به قدرت در جهت منافع ابر قدرت شوروی به پیش میگذارد. فقط کافی است به هم مسلکان حزب توده در افغانستان اتیوپی و... نظریه پیدا زید سا دریا بیدگاه اینان نه سیاسی "لیبرالی" بلکه سیاست و ماهیتی فاشیستی و در خدمت منافع یک مدرب امپریالیستی را دارا میباشند.

گراهی با دسا لگرد مبارزات کارگری صنعت نفت

رفعا و برادران کارگر! یکسال پیش در چنین روزهای موج اعصاب و وسط هراب کارگری سراسر ایران را فرا گرفت. دیگر کارگران خانه و کارگاه های عرصه بیکاری سراسر علیهما و روزیم و بسا و. برادرم کسین "مرک برسا"، "مرک بر آمریکا"، "سعدا رسا هوسا آمریکا ساو... ی کارگران در کلید کارخانه ها و کارگاهها و درسا م سپرها طین اسازسد. و امسال درست در همان روزها مبارزات صدامیریالیسی مردم میهنمان وارد مرحله نوس میسود. عجب سفارن سا کوهی! با بسادای را سوال بگ کرد!

با وره کارگران به عرصه ببرد و بسود آن با جس دموکراسیک مردم ایران، جس مردم میهنان ارغمو، وسع، اسحا م و سوان بیسنری برخوردار گردند و خیلی اسوار، بسوده و حرومان برای سرگویی حکومت سگین بهلوی بسس رفت. اعصاب کارگران نفت که در مهر ۵۷ با طرح حواسه های صغی شروع شده بود، خیلی رود و حاسوار روسی با کانه به مبارزه ای سیاسی بسدل سد. کارگران بدرسی سحیی دادند که ایس بار مسئله کرغن ساره ای امسار اب صغی بسب بلکه ساره سیکسر و سروس ساریعی رهائی میهن اریوع رژیم سحایی وواسسه ساه میراب لسدم بریس روی آن است و بسسک دریا صدند که مبارزه آن به همراه ملت، جدا از مبارزه سعلسا میرا لیسوم و سطور مسحا امسار لسما آمریکا بسوده بسب. وجه درحان رسالت خود را در این مورد به سراهام رسا بسد.

یکسال از مبارزات نبرسا ما به کارگران صنعت نفت و افدا مدلسراره آنان در رسنه قطع صدور رفت میگذرد. کارگران نفت که سالها از مبارزه منکل و مسحا به دور بودند نشان دادند که در صورت داغس سکل زرهی آگاه، برای هر کوبه جاساری و فداکاری در راه اسقلال و آزادی میهن آما ده سسود با ردیکر جاسره دلاور سها و مسها و جاسفنا سها ی کارگران صنعت نفت در طی سالهای ۲۲ - ۲۵ را رسده کرده و سوا بسسحما سهای دبکر اردلاوری، سجا عب، مقامب، ساداری و فداکاری و عشق به آزادی و اسقلال میهن، عشق به سوده های محروم و رحمکان، سآ آریسد.

قطع صدور رفت توسط کارگران و همراهی برادران کارمند، اعلام اسکا رحب به حکومت وقت بود. ارا بسرو حکومت وقت مضطرب و آسقه، توسط فرامان در رسده حویس سادسب و آرا روسکجاس س دلاوران بردا حب. بسکیری کارگران و کارمندان و رسداسی و سکشه کردن آنان آغا رسد. اما کارگران آرپای بسسسد و مسمم ساریس به مبارزات خود ادامه دادند. ورود کارگران به عرصه مبارزات مردم، مبارزات سگین و مپلکی بر بایه های لرزان حکومت سرسپرده بهلوی وارد کرد. ساجم سها به کارگران نفت دوخته شده بود و ملت وظفه کس کمر حکومت سگین بهلوی را بسد کارگران نفت وا گدا ر کرده بود.

حقیقت

اعلام وحدت

سودا و احتیاج به یک برنامہ، سیاست و متنی مشترک و واحد دارد. طی بحثها ما همچنین معلوم شد که در کمیته‌های متفاوت موجود است. درون بخش ب نظرات کوتاه کوبی موجود بود. در آخر قرار شد که دیگر سربریه "رزم خونین" بیرون نیاید و هر کدام از قسمت‌ها در مدتی که نام معلوم تعیین نند نظرات خود را همگون نموده تا بتوانند به دوباره سازی تشکیلات متمرکزتری اقدام نمایند.

ما (الف) به این جمع بندی رسیدیم: در حالیکه برای وحدت با تشکیلات بزرگتری که با ما هم نظر بود و همچنین متمرکز و متشکل نمودن خود تلاش کنیم، با رفقای سخن‌ب‌نیز بحث و گفتگورا دادا مه دهیم چرا که هم برخوردارمان به اتحاد جنبش کمونیستی منفاوت بود و هم آنکه آسان از آنجا منظری و تشکیلاتی خیلی کمتری برخوردار بودند. ولی پس از ضربه خوردن و دستگیری برجسی از رفقای بخش با ارتباطمان با آنان قطع شد و امکان تماس مجدد با آنان علی‌رغم تلاشها بیما ن بجای نرسید. همانطور که گفتیم رفقای اولسه تشکیل دهنده، بخش الف بعلت دسترسی به برخی نظریات اتحادیه از سال ۵۵ هوادار نظر اتحادیه کمونیستهای ایران بودند. پس از انشعاب در درون اتحادیه، ما مدتی نظاره گر کار آنان شدیم تا از بحران درونی خویش بیرون آیند. با تماس هایی که بعداً برقرار شد مدتی برای شناخت بیشتر با آنها همکاری داشتیم، سپس همکاری را برای وحدت نزدیک تر و همه جانبه تر کردیم.

عواملی که ما را بر آن داشت که در جهت اتحاد با " اتحادیه کمونیستهای ایران " بکوشیم، علاوه بر نزدیکی بسیار در زمینه نظریات و تحلیل های سیاسی - شورویک، بربیک ارزایی مشخص از کمبودهای خود ما و رفقای اتحادیه مبتنی بود. " اتحادیه کمونیستهای ایران " بعنوان یکی از قدیمی ترین گروههای چپ ایران، در زمینه ارائه تحلیل صحیح از سمت و سوی جامعه، در مسأله رزه علیه انحراف جریکی، در زمینه مسأله ها طع سیاسی - شورویک سر

علمه رویزیونیسم خروشقی و جنبی و ایادستان در ایران، در کمک به روشن ساختن شورویک مسئله سوسیال امربیا لبسم، در عقیم گذا ردن تلاش های رویزیونیستیا و تروتسکیستیا برای آلودن نسل جوان خارجه و دهیا ترهای انحرافی دیگر و دفاع استوار و جانانه از رفیق استالین و ما شوتسه دون، در زمینه تدوین برخی جمع بندیهای نسبتاً صحیح از تاریخ معاصر ایران خاصه دوران ۳۲-۲۵ که امروزه در مدنظر دانشمندان بسیار مفید است، در زمینه پرورش نسلی از جوانان چپ در خارجه که امروز بسیاری شان در گوشه و کنار میهن در خدمت به سهفت کنونی اند و بالاخره در زمینه برراه انداختن مبارزه وسیع دانشجویی در خارجه، افشاء رژیم فاشیستی شاه و انعکاس صدای حق طلبانه ملت ایران در خارجه و مبارزه موثر علیه نظرات انحرافی موجود در جنبش خارجه خدمات ارزنده ایی است که رفقای اتحادیه به جنبش ما نموده اند و نه انحرافات عمیق گذشته، خود اتحادیه، نه انتقادات ما در باره برخی از مبارزین کنونی و نه انتقادات مغرانه و غیر دلسوزانه برخی گروهها و برخی روشنفکران بیکار و پرحرف نمیشود. ست مستمکی برای نفی این خدومات گردید. از طرف دیگر جادایی از طبقه کارگر و عدم کوشش جدی برای پایان دادن به این جدایی همانطور که رفقای اتحادیه در "حقیقت" ۲۸ از دعای دانشمندان ملی ترین انحراف گروه در گذشته بوده است. از آنجا که نقاط قوت و کمبودهای رفقای گروه ما (بخش الف) محدودی در طبقه درست متضاد کمبودها و جنبه های مثبت رفقای اتحادیه بود و همچنین بدایلی که قبلاً بر شمردیم، وهم چنین در گرسردن عملی رفقای اتحادیه در حد امکانات محدود خویش در سه عرصه کارگری - دهقانی و ملی پس از انتقال به ایران و انتقاد از خود، ما را بر آن داشت که اتحاد دو گروه را از جمله اقدامی مشخص در جهت سازی رساندن به یکدیگر برای مرتفع ساختن کمبودهای گذشته طرفین دانسته و در این جهت کار برداریم و نتایج مثبت چند ماه گذشته نیز، هر چند هنوز راهی بس طولانی در پیش است، صحت این ارزیابی مان را نشان داده است. ما همواره برای اعتقاد بوده ایم که کمونیستهای واقعی اگر راستی در اندیشه متشکل کردن و هدایت طبقه کارگر اندو اگر

با زهم سخنی با ...

تجارب حزب کمونیست چین به شما یندگان احزاب کمونیست آمریکا را لاتس همدار داد که " خالما نه به شما توصیه میکنم تجربه، حسن را بطور مگانیکی نیا بدنگریسته شود. حقیقت عام ما رکسم - لنینسیم و شرایط مشخص کشورها خودتان این دوبا بدتلفیق شوند. " (ما شوتسه دون - " باره ای تجارب د تاریخ حزب ما " ، جلد ۵) .

جنبش کمونیستی ما، به سبب جوانی و کم تجربه گی اش، به سبب آنکه تحت سلطه سالهای دیکتاتوری از دسترسی به منابعی شورویک و وسیله مارکسیستی محروم مانده است، امروز بسیار آسان میتوانند به این انحرافات در غلط و در غلطیده است. انقلاب ما، تا توحه به شرایط مشخص آن، نه مسیر انقلاب چین و نه مسیر انقلاب روسیه و نه مسیر انقلاب هیچ کشور دیگری را عیناً تکرار نخواهد کرد. با بدقا نونمندی حرکت این انقلاب و نقی و جا بیگانه؛ طبقات واقشاً اجتماعی را در ارتباط با آن شناخت. با بد مرکز نقل را بر این اساس استوار کرد. آنکس جنین نکنند و حرکت خود را صرفاً بر نقل قولیه و قریبه سازی های تاریخی استوار کند، محور خواهد بود برای و فسق دادن تحلیل های خود با این نقل قولیه، واقعیات جامعه را نیز بیگانه ای دیگر تعبیر نماید تا الگو مطابقت حاصل شود.

" بیکار " از مارکسیسم، نقل قولهای آنرا آموخته است و نه حقیقت عام و حوفا نشمول و دبا لکتیک انقلابی اش را و طبیعی که چنین مارکسیستی نمی توانند با سخوی معضلات مبارزه طبقاتی ما باشد. ذهنی گری، انحرافات " چپ " و راست، تناقض گوئی و دکما تیسیم و آکادمیسیم، همه و همه ناشی از این سیستم فکری هستند. بیماری کنونی جنبش کمونیستی ما، بیماری جوانی و کودکی آن است و از شرایط تاریخی و طبقاتی معینی نیز ریشه میگیرد. باید به این بیماری خاتمه داد. مادرشماره آینده به بررسی نمونه هایی از تیلور و غلبه این سیستم فکری بر رفقای " بیکار " خواهیم پرداخت.

(ادامه دارد) *

شهرساری تبعید میکنند. اخبار کوتاه نشینهای دولت آما در کمان شهر حمله برده و دوتا از چادرها را به آتش می کشد و بیست و هشتاد (حدود ۸۰ عدد) سبزه خراب میکند. این عمل اعسار ص مردم رحمتکس کبان شهر و دولت آما را بر میا بگذرد. اما مزاده ها شب در هفته آخر آذر ماه دریا دگان زاندا زمری واقع در بالا تر از ما مزاده ها شم، دیبله های وظیفه بخاطر رفتار خشونت آمیز و توهین آمیز فرماندهان که شرایط ارتش در زمان شاه خائن را در اذهان زنده میکنند، دست به تظاهرات زدند. متعاقباً این اعتراض به حق تمامی گروهان سفیر از چند نفر برای شکایت به قم نزد خمینی میروند. در مراجعت همه گروهان را به پای دگانی واقع در

مناقع تنگ نظرانده و حقیر گروهی و شهوت خود بزرگ شدن چشم عقل و خردشان را کور نکرده است موظف اند که دلسوزانه و متعهدانه در جهت یاری رساندن به یکدیگر به منظور تصحیح انحرافات و کمبودهای یکدیگر بکوشند و اصولاً چنین زاویه برخورد فعالیتی را یکی از معیارهای انقلابی بودن در شرایط کنونی می دانیم. گروه بسیار کوچک ما، حتی قطره ایی از ارتش بیولتا برای بیکار

*

اعلام وحدت

از ابتدای شهریور ۵۷ با انتشار اولین شماره ارگان من - "رزم خو-ن من" - فعالیت بیرونی و متشکل ترخویش را آغاز نمود. پس از ۱۰ ماه فعالیت در زمینه های مختلف معنای برخی اشکالات درونی (که مضمرا توضیح خواهیم داد)، بخشی از این مشکل با حرکت از این اصل درست که گروهها و محافل هم نظر میباشند هر چه زودتر به حدایی تشکیلاتی خویش بعنوان گامی هر چند کوچک در جهت پایان بخشیدن به اراکنده گری درد آور کنونی حرکت کنند و هم چنین به دلایل دیگری از بخش دیگر "کارگران مار-کسیست - لنینیست جنوب" جدا شده و پس از چند ماه فعالیت مشترک و متشکل با "اتحادیه کمونیستهای ایران" با یکدیگر وحدت نمودیم. در زیر میگوئیم تا به اخصا ره گذشته گروه و علل حدایی خویش اثاره کنیم. برای روشن تر نمودن تاریخچه گروه مکررا به دو بخش "الف" و "ب" اشاره خواهیم کرد که منظور از اولی بخش خودمان و از دومی (ب) آن بخشی است که در اتحادیه "اتحادیه کم-ونیستهای ایران" شرکت نکرد.

شما ایی مخصوص در باره بخش الف :

عناصرا ولیه تشکیل دهنده و هم چنین بنده اصلی این بخش را عمدتا کارگران یا کسانیکه چندین سال کار کرده اند تشکیل میدهد. بخش اعظم همکاران فعال و نزدیک گروه ما نیز از کسانی تشکیل میشود که در خانواده کارگری یا دهقان بزرگ شده اند. برخی از رفقای این بخش دارای سابقه مبارزاتی ۱۰-۸ ساله له میباشند در رابطه با گروهها و محافل که بیرومی چریکی بودند فعالیت میکردند و در رابطه با برخی گروهها و سازمانهای کمونیستی دیگر از جمله یک سازمان کمونیستی عراقی بوده اند و تجربیاتی در جنبش کم-ونیستی عراق داشته و چند ساله زندانهای عراق و ایران افتاده بودند. رفقای اولیه گروه بتدریج به علت فرار داشتن در محیط کارگری و دست یافتن به نوشتجات مارکسیستی به خصوص برخی از انتشارات اتحادیه کمونیستهای ایران و حوزة گروه یویا (انتقادی سوسیالیستی) ارمنی

چریکی در حوالی ۱۳۵۵ برده و سه منی سیاسی - تشکیلاتی روی آوردند، هر چند که ما در به دفع شما می گرایشات چریکی نگردیدند. این رفقا، که عمدتا کارگر بودند دارای هسه های بودند که کارشان مطالعه، آموزش و روشننگری در بین کارگران و اطرافشان بود و کسانهای مارکسیستی و نشریات مترقی و حزب را هم بخش می کردند و به علت دسترسی به آثار احادیه کمونیستی عمدتا به نظر سیاسی آنها مناسبت بود. برخی رفقای دیگر صرفا هسته ها و محافل مطالعه ای بودند. افرادی از این هسته ها که در سه شهر مختلف خوزستان بودند یکدیگر را می ساختند، با یکدیگر ارتباطاتی داشتند ولی بعنوان یک تشکلات واحد فعالیت نمی کردند. با اوج گیری مبارزات در کورمان و بوجود آمدن جوانان انقلابی ارتباط با رفقای این سه شهر نزدیکتر شد، و در اوائل ۵۷ برنا هم ارتباطات نسبتا منظم تر و دقیقتری برقرار شد با بتواسم نقش بیشتری در مبارزات جاری آن زمان داشتند باسیم. بعدا با بخش نزدیکتر شده و تشکلات "کارگران مارکسیست - لنینیست جنوب" تشکیل شد. از این زمان به بعد بین اقسا در کورمان، معلمین، دانشجویان دانش آموزان و خلق عرب هم نیر و غذا شده شد و در سطوح دیگر هم کارهای حدی تر انجام شد. رفقای اولیه کارگری بخش ما (الف)، از پیشروان نفتگران مبارز در اعتصابات شرکت نفت بودند، در تظاهرات خیابانی و گاه هدایت توده مردم در حد توانائی خویش نقش ایفاء میکردند. همینطور عمده افراد گروه در مبارزات توده های شهر جنوب نقش خلاق داشتند، در تظاهرات خیابانی، هدایت نسبی مردم در این تظاهرات و در حمله به مقر برخی مراکز رنجاع نیز فعالانه شرکت نمودیم. بعدها به تشکلهای دیگر در مبارزات بیکاران دانش آموزان نیز شرکت کردیم. برخی از رفقای ما در مبارزات بحق خلق عرب، تشکیل کانون فرهنگی خلق عرب، افشای خطوط انحرافی و لیبرالی و کشاندن مبارزات به سمت صحیح نقش فعال ایفاء نمودند. بخش الف، همانطور که گفتیم بطور عمده در سه شهر مهم جنوب فعالیت میکرد. رفقای این بخش در نظرات سیاسی - ایدئولوژیکی و برنامهایسی از همان آغاز تقریبا همگون بودند و بعدا همگون تر شدند. پس از بروز اختلافات میان

"کارگران مارکسیست - لنینیست جنوب" رفقای سه شهر در یک جلسه به جمع بندی واحد برای ادامه کار رسیدند. ما در ضمن به این جمع بندی هم رسیده بودیم که اگر سازمانی وجود تشکیل ندهد، نه تنها در زمان ترور و خوفگان محمدرضا شاه امری تا حدودی اجتنابناپذیر بود ولی به گرانده مبارزات شهرمان نه، خلقهای دلسرمان که از جمله موجب تضعیف سندهای فاسسم گردیده بوده، اعتلا نهیست توده مردم و غلبان انقلابی بر خاسته از بین جا معه مرتضا به ما نهیست میزد که هر چه زودتر در جهت پایان دادن به اراکنده کاری ها و دو باره کارها حرکت کنیم و در نتیجه حفظ گروه خود و هسته ها و محافل مشاوره در آن شرایط سیاسی غلط و خسرده سورزایی که حاضر به "دل کندن" از محفل خود نیست از زبانی می کردیم. میباشند بطور سرعتر در جهت باری رساندن به ایجا حزب طبقه کارگر و وحدت کمونیستهای ما بر میباشند. بخش دیگر (ب) در این مورد با ما هم نظر نبود. چکیده نظرات آنها این بود که فعلا شرایط ایجا حزب موجود نیست و فعلا گروههای کوچک و محلی مناسبتا یکدیگر وحدت کنند. بعبارت دیگر اشتیاق آنان برای کاهش خرده کاری و دورا کاری به اندازده ما نبود. از طرف دیگر در درون خود نیز اختلافاتی داشتند و جمع همگونی نبودند. این بخش (ب) س از حدایی ما بوسیله ارجاع ضربه خورد تا حدودی اراکنده شد و در نتیجه ما که علیرغم حدایی خواهان ادامه تماس و بحث با این رفقا بودیم ارتباطمان با آنان قطع شد که امیدواریم بتوانند در مشکلات و اراکنده گری حاصل از ضربه ارجاع فائق آیند. همین جا لازم است گفته شود که رفقای بخش ب، از نظرها، رفقای مبارز و مومن به انقلاب بودند. بعضی از آنها در جنبش کارگری فعال، و برخی دیگر در مبارزات دانشجویی کشورمان - خاصه در جنوب - از پیشتر - بین بوده اند و با سابقه چند ساله مبارزاتی، کمبود آنها کم تجربه گری در تشکلات وضع ثنوریک - سیاسی بود که موجب میگردید اراکنده گری و تشتت درون جنبش کمونیستی پیش از آنچه بدیدر آن تا نیر رسید!

اشکالی که در سطح دیگر و با تفاوتها بی ما نزیدان مثلا بودیم.

"کارگران مارکسیست -

لنینیست جنوب" همانطور که قبلا گفتیم زسته های اراکنده ای که

عمدنا در سه شهر فعالیت میکردند بوجود آمدن مدولی این بخشها هرگز به لحظه حدائی نتوانستند بعنوان یک مجموعه ارگانیک و بهم پیوسته فعالیت کنند. هر قسمت برنا مه مبارزاتی خود را بطوری برد، برنامهای آموزشی خاص خویش را داشت و دارای تشکلاتی تشکیلاتی متعاقبی بود. نقطه مشترک این قسمت ها، بطور عمده - سوال داشتن نشریه ای بود که هر ماه یکبار تحت نام "رزم خویش" بیرون میآمد و عمدتا به نظرات اتحادیه کمونیستهای ایران متعاقب بود. از جانب دیگر کل گروه دارای یک برنامهروشنی و دراز مدت بود. ما سراسر نام دو - سه کارکن رعایت نمی کردیم. با وجود اینکه رفقای بدنه قسمت های مختلف، نیرو و انرژی زیادی برای کار رویش برد ما زده میگذاردند اما به علت اینکه تشکلات برنا مه مبارزاتی حساب شده نداشت، تنها بطور خود بخودی درون مبارزات خود بخودی مردم شرکت میکرد. تقریبا عمده کارها خود بخودی پیش میرفت. تقسیم کاری در میان نبود و اصولا سنی که لازم به بقاء و ادامه هر جریان مبارزاتی حدی است کمتر رعایت میشد. خاصه از جانب رفقای بخش ب. همه این کمیوها باعث شده که رفقای شهرهای مختلف به "بالا" فنا ربیاء و روند. یعنی هر شهر بوسیله یک رابط به یک رفیق خاص که فکر می کردیم یکی از افراد مرکزیت است قسار میا وردیم. ولی بعدا متوجه شدیم که این رفیق (از بخش ب) نه بخشی از رهبری بلکه کل رهبری است! قسار قسارهای مختلف آن فرد را و اراکنده جلسه بی باقیه رابطه با گذارد. با انتقادات و فشاری که به این رفیق آمد معلوم شد که از مرکزیت تصور شده خبری نیست و او در تمام این دوران خود را مرکزیت میدانسته است! او ندید ما را انتقاد قرار گرفت و در حالیکه بیشتر انتقادات را وارد می دانست ولی توجیهاتی نمی نمود. به امانه آنکه این رفیق علیرغم اراکنده گری پیشنها داشت که می نمود اما خواهان ادامه همان وضع موجود و ادامه اراکنده کاری ها و دورا کاریها بود. حدود یک ماه بحث بین قسمت های مختلف از طریق رابط ها و انعکاس بحث بدرون بخش های مختلف به این نتیجه رسیدیم: تشکلات "کارگران مارکسیست - لنینیست جنوب" دیگر به همین مورب نمی تواند حل و برود. نایستی دارای مرکزیت واحد بعیده در صفحه ۱۹

حقیقت

سازهمسخنی با ...

شمرکری سیاسی ارتجاع در ایران بعنوان مرکزنافع امپریالیسم آمریکا، سنا تکرید سیاسی آن و بالاخره دستگاهی عریض و طویل جاسوسی متمرکز در ایران و زیر نظر رئیس قبلی "سنا" هلمزبیا نگرید جاسوسی آن میباشد. (سرای و سرشدن این دستگاهی است به مدارک و اسزاری که در جاسوسی سنا است) آمریکا بدست آمده است و بیبا نگر وجود مرکز جاسوسی آمریکا در منطقه مسناست (روح گنبد) . برزیمیه جنس تحلیلی، صورت هر چه بیشتر افشاء کردن این نقش رژیم سنا، که از لحاظ منافع عمومی امپریالیسم آمریکا نقش عمده اویشا میرسد روشن میگشت. اما جریاناتی چون "بیگار" ایمنی تحلیلها را قبول نداشتند و تر "خرده امپریالیسم شدن ایران" رو آورده بودند. آنها مدور کارگزارانی مستأجده آمریکا بی کشورهای خلیج را "رشد سرمایه داری ایران" و با گذاردنش به مرحله "انحصاری" و رقابت بسا سایر امپریالیسمها برای قبضه کردن بازار منطقه میداشتند و تحا و نظاصی شاه و عمان را نیز بر مبنای همین بز، بر آورد کنند. اما "خرده امپریالیسمی" رژیم شاه میداشتند و از درک ارتباط میان این اعمال و منافع امپریالیسم آمریکا عاجز بودند. آنها در نمی یافتند که رژیمهای این اعمال را بعنوان عامل و یوگروا بر بازار امپریالیسم آمریکا انجام میدهند و سرمایه صوریات به اصطلاح "سرمایه داری رشد امپریالیسم". بنسخت ای که سر اعطاء این نقش رژیم شاه و اهمیت آن اعتقاد نداشتند. اس حسن است مراعی که طرفین داشتند و اسامی موجود خوبی برای امپریالیسم میدهند. حال با رطوبت شده که "بیگار" مدعی آن شده که ما "داغان کردن بیباگانهی شدن رژیم محمد رضا شاه" را سرنگونی رژیم میدادیم. اسیم بسا از مسئله ایست که با بدخودشان جواب دهند و بجای رد نگردن و بد مرا موشکی سپردن مضمون اختلافاتی که در آن زمان در جنبش کمونیستی ما وجود داشت ما دفاعیه تحلیلها و ارزیابیهای گذشته خودتان بر خورد کرده است درستی آنها اذعان کنند.

و اما درباره مسئله "سرنگونی دربار" و رابطه اش با سرنگونی رژیم شاه، یعنی جاتی که رفتا بالاخره همت کرده با آوردن نفل فولی گوئنده ادبخت را مستند کنند، با بدگویشیم همین نفل قول بیان دهنده کذب این ادعاست. ما در اسفند سال ۱۳۵۵ در شرایطی که در جاسوسی در کتار جنبش انقلابی و رویه رشد مردم، یک جریان لیسرالی سر بلند کرده در نظایق بسا سیاست "حقوق بشر" کارسوما نورهای نگارنده امپریالیسم آمریکا و همجنس با راهی ما نورهای هیئت حاکمه ایران میگویند جنبش مردم را به دنبال خود کشیده، بخردده اصلاحاتی در نظام حاکم دلخوش کند، در شرایطی که چگونگی برخورد بد دربار ربهلوی، این مرکز قدرت سیاسی ارتجاع، به صورت مسئله مورد مبارزه میان دو خط مشی دموکراتیک انقلابی و لیسرالیسم بورژوازی در آمده بود و در شرایطی که این بورژوازی میگویند زیر شعارهای "مشروطه طلبی" و "شاه با بدسلطنت کند و نه حکومت" دربار شاهشاهی را حفظ نماید، بد رستی نوشیم که "در میهن ما هرگز تحت رژیم شاه، بنمجه دموکراسی بورژوازی نمیتواند بوجود آید. سرنگونی دربار شاه و بدسلطنت توده های مردم، پیش شرط هرگونه دموکراسی در کشور ما است" ("حقیقت" شماره ۶ - اسفند ۵۵). لیسرالیها در آن زمان به مردم ما میگفتند که شاه و سلطنت بمانند، لاکن در حکومت دخالت نکند و قانون اساسی اجرائیه دموی کراسی بدست خواهد آمد مدوما بد رستی اعلام کردیم که در شرایط وجود دربار که مرکز نقل قدرت سیاسی ارتجاع بود، حتی "بنمجه دموکراسی بورژوازی" هم نمی توان بدست آورده برسد به آزادی سیاسی. حال اگر "بیگار" ایمن حرف ما را بعنوان این برداشت کرده است که ما ارتجاع داخلی را از امپریالیسم جدا کرده ایم، این دیگر در دغد "بیگار" است که متاسفانه عادت کرده، هر چه خود میخواهد به حساب دیگران جایزند. ما برای روشن تر شدن این مسئله و اثبات تحریف بودن آنها مات "بیگار" بی منمعت نمی بنسیم که با نثار به باره ای از نفل فولیهای "حقیقت" در همین دوران، یعنی دوران

با لاکبری جنبش مردم و فعالیت بورژوازی ملی و لیسرال برای منحرف کردن آن (او آخر سال ۵۵ و سال ۵۶ به بعد) موضع آن موقع خود را بویژه برای کسانی که از آن اطلاعی ندارند، بازگو کنیم.

ما در مرداد ۱۳۵۶ "نوشیم که استک" خارج از جنبش انقلابی (یعنی جنبش کمونیستی + مبارزه دموکراتیکهای خرده بورژوازی) و موازات آن یک مخالفت لیسرالی که از فعالیت مخفی بدور بوده، در چهار رجب معیسی از فوانسن خود را محصور کرده و خواهان اصلاحاتی در نظام سیاسی و حکومتی حاکمه است شکل میگردد. ما توجه به صنعت و سرانگسگی فعلی جنبش انقلابی، یعنی محافل و گروههای کمونیستی و خرده بورژوازی انقلابی، این مخالفت لیسرالی به راحتی میتواند اقتضای راضی خرده بورژوازی شهری را که به شدت از وضع حاکم راضی نبود و خواهان نابودی رژیم استبدادی - فاشیستی حاکم بورژوازی از نفوذ و اسعمازی و استغرا ردموکراسی و عدالت اجتماعی اند بسوی خود جلب کند و با راهبوه مات رفرمیستی و راه و رسم مماشات حویانه بورژوازی لیسرال و ملی ایران بنا لابند" و "این وظیفه کمونیستهای ایران است که این تحولات سیاسی و مضمون و اهمیت و محدودیتهای این مخالفت لیسرالی، همچنین نفاوت آن را با لیسرال با زیبایی برخی محافل حاکمه از کمپوبیا جنبش انقلابی از سوی دیگر، برای طیفه کارگر و تومصیح دهند و با بهره گیری از شرایط مساعدشونده کنونی به وحدت و شکل پرولتاریای ایران و بقای نقش آن در تشدید و تعمیق بحران سیاسی حاکمه و نعیس سمت و سیرو فایح یاری رسانند" و "کمونیستها با بد هیج روبرو بدست لیسرالی از این حرکت بگذارند، وجود عناصر مرفقی و ملی در این حرکت را به سبب توجیهی بر بنده سراسری سیاسی برای بورژوازی ملی و سلینگ شعارها، ناگسنگها و روشهای سیاسی این نگرداننده، نفاوت وارد دینی میان سیاست و سکتیک کارگری و سیاست بورژوازی بطور خاص و میان جنبش انقلابی و جنبش لیسرالی را بطور کلی بدست مرا موشی نسپرد، شمشیر کمونیستی را با سینه زن بورژوازی عوی نکند". (نفل فولیها همه از "حقیقت" شماره ۱۱ مرداد ۵۶) و بعد در آذر همان سال در برخورد به بورژوازی ملی و لیسرال نوشیم که "دو خط مشی در جنبش دموکراتیک در برابر رژیم راگر مده و نگا سل می یابند، یا خط مشی لیسرالی، خط مشی بورژوازی مشروطه طلب، که با حشما میداد کشتن به ما سوره های ربا کارانه و اشنگتن و لیسرال اسم سراسر - لیسیتی و با سیاست خواهش و نماز در بار ربهلوی، می گویند ما سوار شدن بر شور و هجان ما هیتا انقلابی بوده ها برای دموکراسی، حکومت استبدادی - فاشیستی را به عقب نشینی وادار و به سارن با بورژوازی در چهار رجب و بورژوازی مشروطه سلطنتی راضی کنند، یا خط مشی انقلابی، خط مشی پرولتا - رای دموکرات، که با مبارزه ما توهما لیسرال اسم بورژوازی، توده های مردم برای یک سوبه حجاب انقلابی با استناد فاشیستی حاکم و به جنگ آوردن قدرت سیاسی بسیح خواهد کرد". ("حقیقت" شماره ۱۵ - آذر ۵۶) و با زدن اسفند همان سال در پاسخ به اعلامیه حاج سید حوادی که مردم را به مماشات با رژیم شاه می خواند و نوشتیم، "طیفه کارگر ما با بد سلطان دهنده دست یافتن به خواسته های دموکراسیک، از مسط زمینهای زمسداران بسله انجمنیهای دهقانی برای دهقانان، با آزادی زبان و فلم و اجتماع برای روشنگران و تمام مردم هیچیک نه تا زمانی که اسن رژیم روی کار است امکان پذیر است و نه شیوه های سازشکارانه و مماشات حویانه. با کسانی که از طریق برآکندن این توهما میگویند مبارزه خلق ما را به سراسر راه به یکسند به بدترین وجه ممکن با بد مبارزه کرد. استالین گمت: "خطرناک ترین تکیه گاه اجتماعی دشمنان در دوره نزدیک شدن انفجار انقلاب احزاب سازشکارند" و "در دوره مبارزه ما سزاریم، در دوره تدارک برای انقلاب بورژوازی دموکراتیک (۱۹۰۵ - ۱۹۱۶) خطرناکترین تکیه گاه اجتماعی تزاریم حزب سلطنت طلبیان لیسرال ... بود". ("حقیقت" شماره ۱۸، اسفند ۵۶). پس می بینید که "بیگار" با خارج کردن یک نفل مول از متن کلی مباحث ما، با تحریف مفهوم آن نفل مول و تحریف آن به هر شکلی که خودش خواسته است، انحراف عمیق یدئولوژیک غالب بر خود را بروز داده و با رد نگردن سازشکارانه است که در "مبارزه یدئولوژیک" او با زار نهیمت و برجست و تحریف گرم گرم است.

حال با توجه به نکاتی که ما پیرامون آن "سه دلیل" "بیگار" آوردیم، خواسته خود مینویسند و نفاوت که با برخورد ما به قدرت سیاسی "خرده بورژوازی" و سوبه همان به بورژوازی لیسرال بنمید در صفحه ۲۱

حقیقت

انتقل از "حقیقت" شماره ۶، اسفند ۵۵ - تاکیده‌ها از "بیکار" شماره ۳۷ - صفحه ۱۵

نگذارند این زاویه "خونده سورزواشی" را مورد بررسی قرار دهیم، "بیکار" استدلال برای اثبات درک "خونده سورزواشی" ما از مسئله قدرت سیاسی ارائه داده است. یکی اینکه ما "سرگون کردن رستاهیز" را رنگویی رژیم می‌دانستیم و دیگری اینکه ما "داغان کردن بانگای شدن رژیم محمد رضا" را رنگویی رژیم می‌دانستیم و سادیم و بالاخره اینکه ما "سرگونی دربار" را رنگویی رژیم می‌دانستیم. ما از آنرو که ارتجاع داخلی را از امیرالسلطنه جدا کرده‌ایم. همه این "دلایل" بی پایه، من درآوری و از خود ساخته است و "بیکار" نیز می‌تواند از هیچ کجا، مدیریت برای اثبات این ادعاها دست ندهد و آنچه هم که تبدیل فولی را با رجوع کرده، بستر رهبر چهره را و اش این ادعا را با ادعای رستاهیز می‌دهد است. "بیکار" برای ترس برسی همادست شده اما در مناخات و جنگ و جدلهای رایج در حین تاریخ و جارج ابرو شده است. در آن زمان در حین دانسجویی جارج می‌بینیم که داران ما را بر جریانات بحتی بی‌رموچ اوضاع جامع و موطناً با سرروه‌های انقلابی جریان داشت. حرب فاشیستی رستاهیز را که می‌تواند سور رژیم شاه شکست دهد ما توسط هیئت مردم را حقه‌گند، رستاهیز سیاسی را در برنیکم بر نندننا با اس حرب اعلام همبستگی بنا شد و ما هم محمد رضا ما هی بهترین نظیر شکیلاتی خود را در اس "حرب واحد سیاسی" ما است. هدف اس حزب، کدلبه نیز آن موحه حبیش مردم ما بود، اریکوسا بیگان سهندن با احتلامات درون هیئت خاکهمز چرتو اخدان حزب و رهبری دربار پهلوی بود و از سوی دیگر سا زمان دادن هرچه در بیان سر و نشد بر ما نسیم و ترور و حقتنا بر علیه حسی مردم بود. هواداران ما در حین دانشجویی جارج ما توجه به اس بیکار بر اهمیت بنا کرده و ما را گری بر علیه این حزب فاشستی با کدها نشد و در هم شکست این توسط جدید را بنی از ما رزه و افتاکری بر علیه رژیم شاه می‌دانستند. لاکن هواداران امروزی "بیکار" (که در آن زمان زیر ما هواداران "سازمان محاهدی م- ل" فعالیت می‌کردند) سر این عقیده بودند که اس حزب، هیچ سمت مگریک تشکیلات دیگر و در نتیجه بر اهمیت و بانگه آن توجه پیدا نشد و ما رزه بر علیه آن کمپها میدادند. امروز که در آن دوره بگناه یکسیم، بخوشی می بینیم که هی از در هم شکسته شدن توسط "حزب رستاخیز" که همه مت مبارزات مردم صورت گرفت، هیئت جامع که او ریحاج داخلی دیگر هیچکاه نتوانست وحدت درونی خود را که یکی از ضروریات سرگوب موفقیت آمیز مبارزات مردم می‌باشد دست آورد و سرور وال سریع خود را آغاز کرد. آری، توسط "حزب واحد سیاسی"، آخریس حرکت وسیع و همه جا به و سراسری رژیم خاکهمز برای تنبیس موقعیت دربار پهلوی در راس هیئت خاکهمز بود و با شدگی آن، چنان نکات های عمیق در اس رژیم وارد گردید که هیچکاه نتوانست حیران بنماند و کوششهای بعدی اس بر سهولان کا بینه های آموزگار و روشنفکران ما می و از هاری و بالاخره جنبان همه ما سرعت ریادی با شکست مواجه شدند. این چنین است، بحتی که در جارج و در میان هواداران ما و "بیکار" حیران داشت و این چنین است مواضی که طرفین این بحث داشتند. حال جطور شده که "بیکار" بیکاره مدعی آن شده که ما "سرگون کردن رستاهیز" را سرگون کردن رژیم شاه می‌دانستیم، مسئله است که خودشان نا به جواب دهند و برای اسکا رنیز بدست ما ردیگر شده خبرنگاران خود رجوع کرده، کم و کیف ما را با بیشتر جویا توید و مطرح جوی را ناظم ساخت متبذل و اریا به اعراضی هواداران در جارج و در حین

ما زیم حسی ما...

می‌تواند بر مبنای برای جا اسداحی اسن تصاویر را رواند، در همین حسی ما گسان سیاسی ما مت مشربود که در برابط قبیل اراوج گیری اعتلای انقلابی بر مبنای اسناد و کمپوشن ارمواج و کجوهکی حرکت بیرونی های مختلف و ساخته، سیاسی هر یک اطلاع دارند و اسن تمیل اهرادران می‌تواند این سادگی مرتعد، علاوه بر این، تحول نس برای بی برهن به محبت ادعا و طرفین یک دعوی سیاسی نمی شود بر ما به ادعا های آثار بسده کرده و بلکده وظیفه یک فردا انقلابی است که خود بدنگ تحقیق مستقل و منکی سر اسناد دست زد و بر این مبنا ویت ما شد. اسناد و مدارکی که می‌تواند صحت ادعا های طرفین را روشن کند در حین ما موجود است و هر چه هم که اسرور کوسده شود ما فرا مؤثر بود، فرا مؤثر ندنی بیستد.

ریمای "بیکار" برای بررسی مواضیکوی سا زمان ما به "رستاهیز" تاریخی دست رده وظهرا "ریشه های اجراء" ما را در گذشته "بیکار" کرده اسد برای اثبات ادعای "روبرویست" بودن ما مدارک تاریخی کافی جمع آوری کرده اسد. البته ما هیچ مخالفی با بررسی مواضیکدستور رجوع در آن دوران نداریم، رستاهیز بر حالت موقعیت کوی هر ما زمان ما با گذشته اس بود و در ما خود نیز اس عقیده اسیم که اسد مرور میگوئیم ما با مهونگاسل سما آن حرها شست که در گذشته گفتند اسما مرور نیز از همه ارباسی ها و تحلیل های سیاسی گذشته خود دفاع کرده و آتپسار را درست و اصولی میدانیم. اما در عس حال برای عقیده هم هشتم که چنانچه کسی بخواهد مواض گذشته ما را بررسی نماید، بنا بر این خود بنی برای مواض نه ترا سده این مواض خود را حاضر اسما دانقا نگیرد، چنانکه کاری بررسی مواض گذشته ما نبود و بلکده بررسی مواض از خود ساخته می‌شد

با شد و اسن کاری اسد که ریمای "بیکار" کرده اسد.

دیگرا اینکه رفقای "بیکار" که اسیم به راسی و گذشته ها علامت دهند، بدست برای بیکار هم گفته اسد که در حین ما سزنگا هی بنا سار اسد برای بیکار هم گفته اسد که اسد بدست اسد. بدست اسد مرور به محولات و تغییرات سعیدی که در مواض و روشن کارشان رخ داده اسد به ساسد، بدست اس زمانی که با آن سوه کودتای اریا به "تشریفات ثولوژی" دادند و اسد اسرکویستی ما را اسر اسر اسد ثولوژی خودشان سدا شند، نا آن زمان که سز" اسجاد حبه و اسد اسد. ما همین بورزوازی و خنده سورزوازی امروزی را ارائه دادند، نا آن زمان که اسران را "خرده امیرالسلطنه" می‌دانستند و اسرا نه و کربلگه "رفیق کوچکتر" امیرالسلطنه لیسم آمریکا می‌دانستند، با آن زمان که در اوج نا لگیری اعتلای انقلابی و مبارزات مردم، جامعها "تشکیک شده" می‌بندند و اسد اسد نا زمان بحال، یک بررسی به ما بسده حبش ما کم و کیف اسن مواض و تحلیلها را توضیح دهند و اسرا زمان خودشان به اس حش یک تصویر بنان دهند. ما در اسحافه ما ن جنبی کاری نیست، بر اسحافه ما هم چو "بیکار" رده کم کنیم، زما مسئله مرکزی ما رزه اسد ثولوژیک کوی، بررسی اسن گذشته است و کجده ریشه بساری از اجراءات رفقای "بیکار" را در همین گذشته و کفیت اسد ثولوژیک ما زمان ما می‌دانستیم و در صورت لزوم و برای تعمق اس ما رده ساسکا رنیز اسد ما خوا هم کرد، لاکن بحث امروز ما بر اس مسائل است.

رفقای "بیکار" می‌بویستند، "رفقای اسحافه در بیرویه" فعالیت خود هیچکاه درک صحیح و روشنی از مسئله قدرت سیاسی در اسران عرضه نکرده و همیشه از یک زاویه خنده سورزواشی اسن نگاه می‌کرده اسد. بطوریکه ما زمان سرگونی رژیم ما به اداری و اسده اسرا رادر "سرگونی رستاهیز" و "داغان کردن بانگای شدن رژیم محمد رضا" و ما ردیگر در سرگونی دربار پهلوی حس خود می‌کردند. بدبذل فول زیموده کنند، "در همین ما هرگز بحث رژیم شاه، سبجه و موگراسی بورزواشی نمی تواند اسد اسد. سرگونی دربارنا بود دست سوه ها مردم بین شرط هر گونه و موگراسی در کشور ما است.

در زمینه مسئله "بانگای شدن رژیم شاه" سر حیران سر ما به هس صورت است. لازم به تذکر است که ما زمان ما حش ما زمانی بود که ما تحلیل از "دکترین سکون" و رستاهیز "عمرانی" رژیم شاه، سز زما در بی رژیم محمد رضا می راطرح و معرفت رژیم شاه را اسرا اسد ما امیرالسلطنه آمریکا در منطقه و حلیج منحنی نمود. زما در اس رژیم شاه دارای اسناد اصمادی، نظامی، سیاسی و جاسوسی بود و کبده کا اسلی امیرالسلطنه لیسم آمریکا در حلیج منحر معرفت. منلیج شدن اسن رژیم ما اسد ما و اسرا اسد اسان، بنا نکرسد اسما می اس زما در بی، کونین برای فقه کردن ما زار حلیج بسوله کالاهای آمریکا می می‌تواند در اسرا و سر ما سکا ریسیای مشترک ایران و سارگورها (سواستور ما سکا ری های مشترک آمریکا و ما برگورها زما اسران) بنا نکرسد اسما دی و

اعلام وحدت

بخشی از کارگران مارکسیست لنینیست جنوب و اتحادیه کمونیستهای ایران

باز هم سخنی با نشریه "یکار"

ما در مقاله "اخراجات" ما "حقیقت" ۵۳، در مورد روس "سازده" اندولوژیک "رضای" "یکار" نوشتیم که اسان بر لوی ی سازده اندولوژیک یک کار را رسیده و اسرا و تحریف را آغاز کرده است. تحریف و سرداشتهای او خود ساخته و مواضع ما منکوسد با اسرا اجرائات خود سرده کشیده، اذهان را ارتشکرتز آسها امروز موردا خلاف در حین کمونیستی ما است منحرف ما است. ادامه مطالب "رتز انگهای جدا حلال و...".

"یکار" ۳۷ و ۳۸ ما در گزارش "تقطعه نظر ما صحه بنگدارد. حین کمونیستی ما در مجموع حین است جوان. بسیاری از گروهها و محافل که امروز در عرصه این حین مخالفت میکنند، محصول اوج باسی سازده طبقاتی در سیمه اول سالهای ۵۰ میباشند و تا نوجه به ترور و حضان مسلط بر ما معطبی سز هت که از کم و کسب مسائل و مسائل از اندولوژیک که در سالهای قبل در اس حین حیران داسدی اطلاع بوده و با آران حیران سرداشتی کلی دانسته اند. از سوی دیگر اوج باسی سازده و با لاجره در ۱۰ ماهه گذشته و پس از سرگونی در اس ره لوی، تعداد زیادی از جوانان انقلابی و همچنین کارگران در اس حین رو آورده اند که از گذشته آن در مجموع بی خبر میباشند. بسیاری از شرکت کنندگان در اس حینش، از گذشته گروهها و سازمانهای قدیمی ناطلاعی نداشته، صرا بر مسای مواضع و عملکرد اس تر و هیادهوران اخیر نیست به آنها عاوت میکند. اس اوماع، شرایطی را به اس رو آورده است که چنانچه سازمان یا گروهی بخواهد دوباره سازده کافی فرصت طلب هم باشد، میتواند با هیاهو و جحال و تحریف و انباشت اس از خود ساخته، صوری و ارونه از گذشته مواضع گذشته یک سازمان و گروه دیگر بدست دهد و اسرا عین واقعیت به نیندازد. "یکار" دست به چنین کاری رده است.

اما اگر جوانی بخش عظیمی از حین ما بقیه در صفحه ۲۳

اخبار (کوتاه)

تهران - کارگران دلبزگش ملی طی اعتراض به کمای سردور از تاریخ یکشنبه ۱۱ دی دست به اعتصاب میزد. علت این اعتصاب اجراج ۲۰۰۰ نفر از کارگران بوده که کار - عوام به سها نموده مواد اولیه - عوام اس آنها را اجراج کند ولی کار - عوام در اس مان با اتحادیه یکبار - یکی کارگران دیگر که حدود ۹۰ هزار - عوام در سردور و سردور گردیده است از کار میکنند

فروش های کنتر خبانان به عنوان اعتراض به دولت و شپرداری و پاس - داران دست به نظاهرات زده و خوا - سنار دستگیری و معازات کما سی که طی چند روز به آنها حمله کرده اند میشوند. آنها از مسدان فرودسی حرکت کرده و تا لاله از ارتشکرتز اسرا - شان "مرگ سوسر ما هدار" و "رزم سر ما هدار" را عامل هر سکاری "بود. تهران - باز هم دست حاینگاران بر در و آرتسین بیرون میاید و ما - همه در دست دیگر میافزید. بار همه حمله ای به حینکنان، با اساران سطحه دولت آد صبح روز چهارشنبه ۱۲ دی ما به حاد در عینسان حاشیه کنان شریه به اسهنگاست آاسان بقیه در صفحه ۱۹

حندی پس بد سال خدانی حسی از گروه "کارگران مارکسیست لنینیست جنوب" و سرقراری حسان مان اس ریشا "اتحادیه کمونیستهای ایران"، دو گروه ساد بر نظر ترس سردیکی بسیاری که در خط می و بر ما با یکدیگر داسد بر اس بدد با اس از یکدوره فعالیت - مسرک و سردیک در گذشته، رسد هها، با یکدیگر مسرک رسد. اکنون سرار کدست حیدما هم فعالیت مسرک، اسناد کامل دو گروه را که اجرا صورت گرفته است اعلام میداریم.

ما در نظر گرفتن وظایف سنگین حین کمونیستی ایران، ما بحوبی و اقسام که دو گروه مسد شده کوچکتر از اسد که با دنان گروهی از معطلات مسد شده و گوناگون اس حین

انتخابات ریاست جمهوری یکبار دیگر ما هیئت حزب توده را بر سر ملا ساخت. ولی ایسا ر حزب توده بسا رسخت توانست خود را با حیران غالب منطبق کند. نگاه بی مواضع حزب توده در اسبیا ره ما را با اسور نیسم بیشتر آشنا میکند.

رایکساند، خدمتقدم اسما ماس مهم سها در عرو همکوسی اسما دهه کمونیستهای ایران است و سس. معیاد اسدرا رسم کداس اتحادیه هه هرا کیون و حیدما سح حاطله اسکا عل آسده اس مومنی گوده در سوسر همه کمونیستهای ایران در راه یکی کردن صفوف حویس و سوا حا مر سادن اسر مهم حواسی اسما در حزب کمونیست ایران.

در رسر، به منظور آساسی عوام ما گذشته گروه و سطر اب اسها محصور و اکه توسط خود اس رسنا سینه کرده اسما رسده هم.

سکل ما حسی از گروهی است که تحت نام "کارگران مارکسیست لنینیست جنوب" بنده در صفحه ۲۰

حزب توده و مسئله

انتخابات اخیر

کارگر "ظا هر گشت" حزب توده اسندا بر ما سهای ارائه داده او از گانند اسها خواست که در باره این بر ما سها ظها بر نظر کنند تا حزب توده بتواند سدفهمد که گدا بیگ داستان بزدیکترند؟! ما با اسالا از هسج حزب طبقه کارگری بدیده بودیم که اس حین حواسه های هم داشته باشد. معمولاً یک حیران سیاسی اصل، چه حزب طبقه کارگر و چه حزب با سطحات فرق میکند، خود را با تحلیلهای مستقلی از حیرانات سیاسی و سها بیدگان آنها دارد که بر مسای اس تحلیل و ساخت، و بر مسای سماع طبقاتی حویس، ساسک و ساسات مشخص خود را تعیین میکند. ولی برای اولین بار در سها ریح !! یک "حزب طبقه کارگر" که گوا همه تحلیلها و راههای مختلف انقلاب را اسز مسدانده، از طریقات و حیرانات سیاسی دیگر میخواست اسها تعیین با کتیک از طرف اسان را سکل کند و بر روی بر ما سها اینان نظر بدهد!! بقیه در صفحه ۱۸